

تبیین مفهوم دل‌بستگی در محیط شهری بر اساس مفاهیم و متون اسلامی

لیلا رحیمی*

چکیده

۸۷

تضعیف پیوند انسان با مکان‌های مسکونی به‌ویژه در محلات تاریخی در اثر افزایش نقل و انتقال ساکنین، مسائل جهانی‌سازی، تداخل فرهنگ‌ها و فقدان روابط اجتماعی و فرهنگی بین مکان‌ها نشان می‌دهند که مفهوم دل‌بستگی در محیط شهری دچار بحران است. پژوهش حاضر با بررسی منابع، اسناد، نظریات و نیز مطالعه نمونه موردی تاریخی، به عدم توجه به اندیشه‌ها و مفاهیم اسلامی به‌عنوان یکی از ضرورت‌های مهم در عرصه طراحی محیط‌های شهری اشاره دارد و در پی پاسخ به این سؤال است که چه معیارهایی در زمینه فرآیند شکل‌گیری دل‌بستگی مکان در محیط شهری (خانه، محله و شهر) بر اساس اندیشه اسلامی، کلیدی بوده و نقش و جایگاه آنها چگونه است؟ اهداف اصلی پژوهش حاضر، بررسی و شناسایی مؤلفه‌های دل‌بستگی به مکان و شهر اسلامی بر اساس رهنمودهای اندیشه اسلامی و شناسایی عوامل مؤثر بر این دل‌بستگی در مقیاس‌های مکانی مختلف هستند. تحقیق به دوروش کیفی و کمی به‌شیوه توصیفی - تحلیلی با استفاده از آیات قرآن و روایات معصومین و نیز بررسی محله تاریخی سرخاب تبریز انجام یافته است. مطالعات نشان می‌دهند که برای ایجاد دل‌بستگی در محیط‌های شهری، توجه به تأمین نیازهای سه‌گانه مادی، روانی و معنوی انسان در تعامل سه‌گانه با ابعاد رفتاری (عملکردی)، عاطفی (احساسی یا کالبدی) و شناختی (ذهنی یا معنایی) دل‌بستگی ضروری هستند. از طرفی، مؤلفه‌ها و ابعاد تشکیل‌دهنده دل‌بستگی به شهر اسلامی، شامل سه مؤلفه انسان (مؤمن) به‌عنوان وجه فکری و جهان‌بینی توحیدی، کالبد به‌عنوان وجه عینی و ارتباط اسلامی با عالم و رفتار نیز به‌عنوان وجه اخلاقی و رفتار اسلامی، به‌ترتیب متناظر با سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری دل‌بستگی هستند که به‌صورت دیاگرامی ارائه می‌شوند. نتایج آزمون‌های آماری spss نشان می‌دهند که از میان عوامل مؤثر بر دل‌بستگی (فردی، کالبدی و اجتماعی) در میان سه مقیاس مکانی خانه، محله و شهر، عوامل کالبدی بیشتر در مقیاس خانه و عوامل اجتماعی نیز در دو مقیاس محله و شهر حائز توجه و اهمیت هستند. این یافته، تأکید متون اسلامی بر برقراری تعاملات اجتماعی و جمعی بودن بر فردی بودن را تأیید می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: محیط شهری، اندیشه اسلامی، فرآیند شکل‌گیری دل‌بستگی مکان

مقدمه

بحران مکان به مفهوم بحران معنی اجتماعی از فضا و زمان، از بارزترین مشکلات شهرسازی معاصر است؛ بحرانی که در ایجاد فضاهای شهری فاقد هویت، فاقد تاریخ و فاقد ارتباط، تبلور یافته است. امروزه در نگاه شهرسازی معاصر، رابطه انسان و فضا به انگاره‌ای مادی تقلیل یافته است و فضاهای عمومی تنها به مثابه فضایی برای تردد و حمل‌ونقل و نه جز این تنزل یافته‌اند و با این تعریف، برخی بر این باورند که انسان ادراک خود را از فضاهای گذشته از دست داده است؛ لذا رابطه انسان و فضا باید به‌دقت بازنگری شود که این خود به زیبا بودن هر چه بیشتر فضاها می‌افزاید (توسلی و بنیادی، ۱۳۷۱: ۱۸). در حال حاضر، یکی از دلایل عدم احساس تعلق خاطر به مکان و حس بی‌مکانی و بی‌هویتی در محیط‌های شهری، عدم توجه به اندیشه‌های اصیل اسلامی و مفاهیم انسان‌مدار تفکر اسلامی در شهرها است (نقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۶۸).

معماری و شهرسازی اسلامی، ارزش‌های معنوی و کالبدی را در یک کل همگرا ترکیب کرده‌اند. بخش اصلی زندگی در یک شهر اسلامی، در فضاهای جمعی آن نمود می‌یابد؛ محله‌های شهری گذشته، به‌صورت مناسبات رویاروی، حس تعلق اجتماعی را تقویت می‌کردند و مکان‌های جمعی محله‌ها، فضایی را برای ایجاد حس هم‌بستگی و تعهد اجتماعی بین ساکنین ایجاد می‌نمودند. در آیات و احادیث، توصیه‌ها و رهنمودهای فراوانی برای هدایت شدن به سوی کمال حقیقی در فرآیند دل‌بستگی، توصیه به انس داشتن با انسان‌های شایسته و مأنوس شدن با همه ارزش‌های اخلاقی و عملی، وجود دارند و در مقابل، دل‌بستگی به انواع ضد ارزش‌های اخلاقی و عملی نکوهیده شده است.

هدف تحقیق حاضر، شناسایی مؤلفه‌های دل‌بستگی به شهر اسلامی و بررسی عوامل مؤثر بر این دل‌بستگی در مقیاس‌های مکانی مختلف (خانه، محله و شهر) بر اساس متون اسلامی است و در پی پاسخ به این سؤال اصلی است

جدول ۱. رویکردهای مرتبط با مفهوم شهر اسلامی

که چه معیارهایی در زمینه فرآیند شکل‌گیری دل‌بستگی مکان در محیط شهری (خانه، محله و شهر) بر اساس اندیشه اسلامی، کلیدی بوده و نقش و جایگاه آنها چگونه است؟ تحقیق به‌روشنی کیفی با استفاده از شیوه توصیفی-تحلیلی، به مقایسه مفاهیم حس تعلق در مقیاس مختلف محیط شهری پرداخته است و هم‌چنین به‌شیوه کمی در نمونه محله تاریخی سرخاب تبریز، مورد آزمون و بررسی قرار گرفته است؛ بنابراین ابتدا رویکردها و عوامل شکل‌دهنده شهرهای اسلامی و سپس مفهوم دل‌بستگی به شهر در احادیث و متون اسلامی بر اساس سه مقیاس مختلف، تشریح و به‌شکل جداول و نمودارهایی ارائه می‌شوند.

پیشینه تحقیق

«شهر اسلامی»، شهری است که دارای هویت ویژه فرهنگی، فضایی و تاریخی خاصی است. این «هویت فرهنگی و تاریخی و تمدنی نه‌تنها در مذهب، اخلاق، علم و تفکر، بلکه در روابط فضایی و هویت شهری نیز ملحوظ و از تجسمی عینی و خارجی و تعریف‌شده برخوردار است» (نقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۲۳). این شهر، «تجلی‌گاه اصول و ارزش‌های فرهنگی و مورد باور انسان است، جهان‌بینی سازنده خویش را معرفی می‌کند و به اهدافی که اهلش برای خود قائل هستند، گواهی می‌دهد» (ابراهیمی، ۱۳۷۵: ۱۵). رویکردهای مرتبط با مفهوم شهر اسلامی را می‌توان در چهار رویکرد زیر طبقه‌بندی کرد (جدول ۱):

رویکرد انگیزه‌های سیاسی: از نظر پژوهشگران غربی (شرق شناسان)، شهر با داشتن نواحی مسکونی متمایز بر اساس عوامل نژادی، قومی و مذهبی، در اطراف مسجد جامع و بازار و تعدادی حمام عمومی در جوار آن، چیدمان یافته است. در این ساختار، الگوی خیابان‌های نامنظم تار عنکبوتی بر روابط فضایی شهر تسلط داشته است. همان‌طور که الصیاد عنوان می‌کند؛ از نظر این گروه «مرکزیت حاصل شده در ساختار شهر اسلامی، ناشی از مرکزیت سیاسی است» (۱۹۹۶: ۹۵).

صاحب نظران	رویکردهای مرتبط با مفهوم شهر اسلامی
الصیاد، ۱۹۹۶	- رویکرد انگیزه‌های سیاسی
لاپیدوس، ۱۹۶۷؛ ناصر، ۲۰۰۳؛ مدنی پور، ۱۹۹۸؛ اکبر، ۱۹۸۸	- رویکرد الزام‌های اجتماعی
اردلان و بختیار، ۱۹۷۳	- رویکرد الهام‌های فلسفی
رایموند، ۱۹۹۴؛ بیانکا، ۲۰۰۰؛ الارابی، ۱۹۹۶	- رویکرد اجتماعی-مکانی

مأخذ: نگارنده بر اساس مطالعات

امکان را می‌دهد که هم‌زمان مشخصه‌های مشترک شهرهای مسلمانان را از مراکش تا افغانستان استخراج کنند و در عین حال به پیچیدگی‌های جغرافیایی که بستر هویتی هر منطقه را شکل می‌دهند، توجه نمایند (Raymond, 1994: 5). بیانکا^۲ نیروهای شکل‌دهنده به شهر اسلامی را در هر زمینه خاص به دو دسته عوامل داخلی و خارجی طبقه‌بندی نموده است (۲۰۰۰: ۸۵). از نظر وی، عوامل خارجی شامل سکونتگاه‌های موجود (قبل از شکل‌گیری شهر اسلامی)، امکانات در دسترس محلی و غلبه تغییر و تحولات، و عوامل داخلی نیز شامل اصول مورفولوژیکی نهادینه‌شده در اجزای معماری هستند که در تکوین اجزای کالبد شهری نقش عمده‌ای داشته و عمیقاً از نقش و رفتار انسانی به‌عنوان کیفیات غیرمادی سرچشمه گرفته‌اند.

در شهر اسلامی، ارتباط ذاتی و ساختاری بین دین، فضای شهری و مناسبات اجتماعی وجود دارد (نقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۸۵). شهر اسلامی هم‌زمان با استفاده از شیوه‌های شهرسازی مرسوم در تمدن‌های مغلوب‌شده توسط اسلام و نیز با اتکا به شکل و الگوی فرهنگی جدید در شهرسازی که از دین نشأت می‌گیرد، ویژگی‌هایی دارد که در سرزمین‌های اسلامی، دارای وجوه اشتراک با یکدیگر و افتراق نسبت به سایر شهرهای غیراسلامی است. این ویژگی‌ها را می‌توان در سه حوزه اقتصادی، کالبدی و اجتماعی دسته‌بندی نمود. در حوزه اجتماعی، وجود تشکلهای صنفی و اجتماعی و واحدهای خودیار، توجه به عرصه‌های خصوصی شهر نسبت به عرصه‌های عمومی، وحدت ساکنان شهر در محدوده محله‌ها و نحوه اداره شهر توسط حاکمان، خصوصیات عمده شهر اسلامی را شامل می‌شوند. در حوزه کالبدی، نیز وجود کارکردهایی نظیر بازار، ارگ، قلعه، مسجد جامع و محله‌بندی‌های شهری و فضاهای جمعی دارای نمود کالبدی بوده و مشخصه فیزیکی شهر اسلامی هستند (تصویر ۱).

لذا یک شهر اسلامی در ارتباط با ساکنانش و ساکنان یک شهر اسلامی نیز در ارتباط با شهرشان، هویت‌مند می‌شوند. صحنه اصلی زندگی سیاسی و اجتماعی در یک شهر اسلامی، فضاهای جمعی آن است و لذا توجه ما به مفهوم اسلامی در فرآیند شکل‌گیری فضای شهری، باید بیشتر ناظر به جنبه‌های اجتماعی شهر باشد (جدول ۲).

روش تحقیق

بر اساس سؤال و هدف پژوهش که به دنبال شناسایی مؤلفه‌ها و عوامل ارتقای دل‌بستگی به مقیاس‌های مختلف محیط شهری بر اساس اندیشه اسلامی است، نخست به‌طور

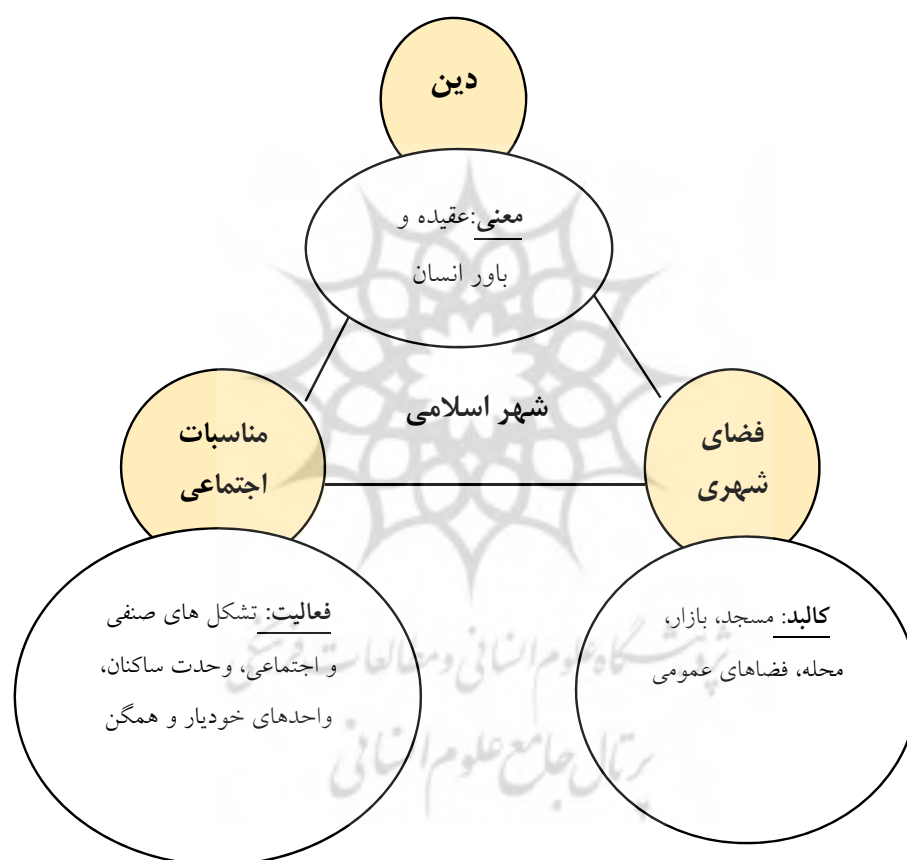
رویکرد الزام‌های اجتماعی: لاپیدوس^۱ به این نتیجه رسید که در ساختار شهرهای اسلامی، نوعی نظام گروه‌های مرجع هم‌چون نخبگان نظامی، رهبران مذهبی (علماء)، برجستگان محلی و تجار وجود دارند که جامعه را بدون نیاز به برخورداری از نظام اداری ویژه هم‌چون مدل شهر اروپایی، مدیریت و رهبری می‌کنند (۱۹۶۷: ۷۳). این بدان معنی است که «به‌واسطه حضور این گروه‌ها، منش زندگی اسلامی انتظام یافته و درجه‌ای از نظم و قانون در همه جوانب زندگی مدنی زمینه‌سازی شده است» (Nasser, 2003: 78). برای مدنی‌پور، هم‌بستگی گروه‌ها در سطح محله‌ها بیشتر منتج از پیوندهای خانوادگی، قومی، نژادی، مذهبی و هم‌ولایتی و در پاره‌ای موارد شغلی بوده‌اند؛ به‌طوری که آنها را در اطراف مسجد به‌عنوان عنصر همگراکننده به‌منظور انجام امور روحانی و دنیوی گرد هم آورده‌اند (۱۹۹۸: ۶۷). در شهر سنتی اسلامی، سازمان‌دهی جمعیت مطابق عوامل مطرح‌شده، جوامعی همگن را در سطح محله‌ها به‌وجود می‌آورد؛ به‌طوری که پیوستگی نزدیک آنها به همدیگر با محوریت شریعت اسلام، آنها را قادر ساخته تا بدون توسل به مدیریت رسمی، امور خود را به‌صورت واحدهای خودیار سازمان‌دهی نمایند. در نتیجه تصمیم‌ها نه به‌وسیله مسئولان دولتی، بلکه توسط کسانی که واقعیت‌های مکان را از نزدیک تجربه کرده‌اند، اتخاذ شده‌اند (Akbar, 1988: 104). برای اکبر، مسئولیت مشترک نسبت به فضا که منجر به تعریف قلمرو و سازمان‌دهی عرصه‌ها در سطح واحدهای همسایگی می‌شود، مهم‌ترین موضوع شهر سنتی اسلامی است.

رویکرد الهام‌های فلسفی: این رویکرد تأکید دارد که الهام‌های فلسفی حاصل از رویکرد عرفانی در اسلام، مشخصه‌های شهر اسلامی را مفهوم‌سازی کرده‌اند. در این دیدگاه، مرکزیت دو ارتباط با مفهوم وحدت در اسلام که به‌طور وسیعی در ادای فریضه روزانه نماز به‌سمت کعبه و نیز از لحاظ عملکردی در شکل شهرها به‌منظور دستیابی به کلیت، در تنوع تجلی یافته، دیده می‌شود؛ بنابراین وحدت به‌عنوان نیروی عمده اجتماعی برای همگرایی فضا و استفاده از فضا شناخته می‌شود (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰: ۳۶).

رویکرد اجتماعی- مکانی: در این رویکرد، رایموند^۲ به دو عامل تأثیرگذار در شکل‌گیری شهرهای اسلامی اشاره می‌کند؛ از یک‌سو، بستر منطقه‌ای (از لحاظ جغرافیایی) که در آن شهر زاده شده و سیر تحول تاریخی خود را طی کرده است و از سوی دیگر، مبانی الهی- اجتماعی به‌همراه ساکنان شهر یا کسانی که اعتقادات، رسوم و نهادهایشان کاملاً بر اساس اصول اسلام است. این رویکرد، به محققان این

در محله تاریخی سرخاب تبریز بررسی شدند. جامعه آماری تحقیق، شامل ساکنین محله سرخاب با تعداد ۸۰ نمونه آماری (بر اساس فرمولی به کمک واریانس پیش‌آزمون) است که پرسش‌نامه‌ای با ۲۶ سؤال بر اساس سطح تحلیل فردی به روش انتخاب خوشه‌ای، در هر یک از گذرهای محله توزیع شد و برای تجزیه و تحلیل پرسش‌نامه، از آزمون‌های آماری مختلف spss استفاده شد. اطلاعات، پس از شناخت، گردآوری و طبقه‌بندی، به صورت مقایسه‌ای در سه مقیاس مکانی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و یافته‌ها بیشتر به صورت جداول و نمودارهایی ارائه شدند.

خلاصه به چگونگی پیدایش و شکل‌گیری «شهر اسلامی» در تمدن اسلامی پرداخته شده و رویکردها و ویژگی‌های آن در سه مؤلفه کالبد، فعالیت و معنی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نوع روش‌شناسی حاکم بر تحقیق نیز، روش توصیفی-تحلیلی بر اساس مطالعه متون اسلامی و بررسی نمونه موردی است. تحقیق به روش کیفی و قیاسی با استفاده از آیات قرآن و احادیث، به مقایسه مفاهیم حس تعلق و دل‌بستگی به مقیاس‌های مختلف محیط شهری پرداخته است. همچنین عوامل مؤثر بر دل‌بستگی، بر اساس مطالعات متون اسلامی و نظرات محققان و اندیشمندان، به صورت مدل قابل‌سنجش



تصویر ۱. عناصر اصلی تشکیل‌دهنده شهر اسلامی؛ مأخذ: نگارنده بر اساس نظریات

جدول ۲. ویژگی‌های اجتماعی و کالبدی اسلام‌شهرهای ایرانی

مشارکت مردم در ساخت محلات؛ شرکت در مراسم مذهبی و حضور در مسجد؛ ساخت بناهای عام‌المنفعه توسط مردم (وقف)؛ خانواده‌های گسترده و هسته‌ای؛ حقوق همسایه؛ ثروتمند و فقیر در یک محله؛ نفی تبعیضات اجتماعی؛ همگونی اجتماع با تشابهات صنفی، مذهبی و ملی؛ اصل خودمختاری محلات؛	ویژگی‌های اجتماعی اسلام‌شهرهای ایرانی
محرمیت، اشرافیت؛ بافت فشرده؛ راه‌های بن‌بست؛ نظم بیولوژیک (بی‌نظمی شبکه شهر)؛ کوچه‌های پرپیچ و خم (مسائل امنیتی)؛ تفکیک فضایی بر اساس جنسیت.	ویژگی‌های کالبدی اسلام‌شهرهای ایرانی

مأخذ: نگارنده بر اساس جمع‌بندی نظریات

مفهوم دل‌بستگی به شهر در متون اسلامی

دین به‌عنوان مقوله‌ای در زندگی انسان، در تمامی شئون و روزنه‌های وجودی او اثر می‌گذارد و انسان نیز از آن متأثر می‌شود. این تأثیر و تأثر هم در جنبه‌های فردی انسان و هم در جنبه‌های اجتماعی است. با رشد ابعاد شناختی - عاطفی انسان و رویش انگیزه‌های متعالی در وجود آدمی، زمینه برای پیدایش نمودهای جدیدتر دل‌بستگی در انسان، مهیا می‌شود و انسان می‌تواند با گذر از دل‌بستگی‌های زمینی و موقت، به درجه دل‌بستگی پایدار و حقیقی دست یابد.

از این‌رو در آیات و احادیث، برای هدایت شدن به سوی کمال حقیقی در فرآیند دل‌بستگی، توصیه‌ها و رهنمودهای فراوانی مطرح شده‌اند؛ قرآن شریف به‌عنوان یک انتظار تحقق‌یافته از اهل ایمان می‌فرماید: «انسان‌های مؤمن، بالاترین دل‌بستگی را به خدا دارند» (بقره: ۱۶۵). بهترین و پایدارترین دوستی که انسان می‌تواند با او انس بگیرد و به او دل‌بستگی پیدا کند، خداوند متعال است؛ چنان‌که پیامبر اعظم (ص) می‌فرماید: «لَا يَسْتَوْحِشُ مَنْ كَانَ اللَّهُ أُنَيْسَهُ»؛ کسی که خداوند مونس او است، ترس به خود راه نمی‌دهد (طبرسی، ۱۳۷۹: ۲۲۳).

افزون بر توصیه به انس داشتن با انسان‌های شایسته، در احادیث اسلامی، مانوس شدن با همه ارزش‌های اخلاقی و عملی (مانند انس گرفتن با قرآن، کتاب، علم، حق، تقوا، یاد نعمت‌های الهی، یاد آخرت) و نیز انس گرفتن با آن‌چه افراد جاهل از آن وحشت دارند، مورد تأکید قرار گرفته است. در مقابل، انس یافتن با افراد جاهل و ناشایسته و دل‌بستگی به انواع ضد ارزش‌های اخلاقی و عملی (مانند دل‌بستگی به هوسرانی‌های نامشروع و دل‌بستگی به دنیا)، از نظر اسلام نکوهیده است. «حُبُّ الدُّنْيَا يُفْسِدُ الْعَقْلَ وَ يُصِمُّ الْقَلْبَ عَنِ سَمَاعِ الْحِكْمَةِ وَ يُوجِبُ أَلِيمَ الْعِقَابِ»؛ دل‌بستگی به دنیا، عقل را فاسد می‌کند، قلب را از شنیدن حکمت ناتوان می‌سازد و باعث عذاب دردناک می‌شود (نوری، ۱۳۶۷: ۴۱). در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است: کسی که روز و شب را در حالی بگذراند که بیش‌ترین اهتمام وی مربوط به امور دنیوی باشد، خداوند، فقر را رویاروی وی قرار می‌دهد (مجلسی، ۱۳۶۲: ۱۶۸). این حدیث شریف، بیانگر این حقیقت است که دل‌بستگی شدید مادی، مانع شکل‌گیری نظام دل‌بستگی کمال‌یافته می‌شود. امام حسن عسگری (ع) می‌فرماید: «مَا أَقْبَحَ بِالْمُؤْمِنِ أَنْ تَكُونَ لَهُ رَغْبَةٌ تَذِلُّهُ»؛ چه زشت است برای مؤمن، دل‌بستگی به چیزی که او را خوار می‌کند (الحرانی، ۱۳۸۱: ۵۲۰).

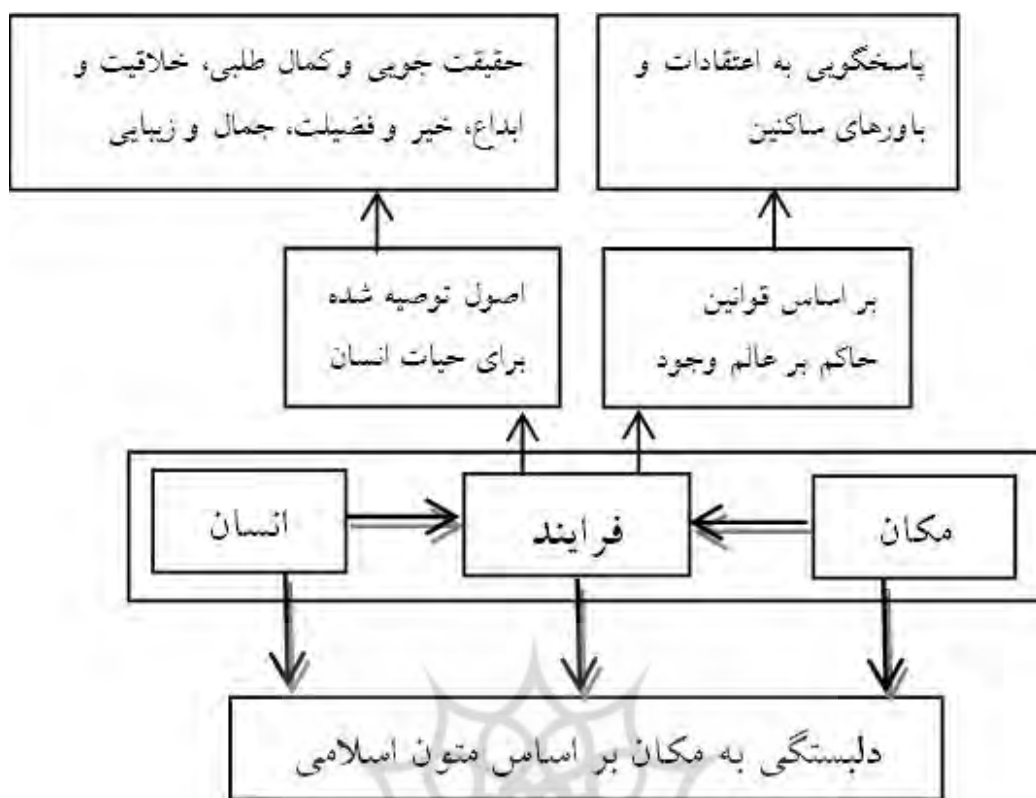
دل‌بستگی به مکان، متشکل از چارچوب سازمان‌یافته سه بعدی (شخص - فرآیند - مکان)^۴ است که بعد فردی دل‌بستگی

به مکان، به معانی و مفاهیم تعیین‌شده فردی یا جمعی بر می‌گردد. بعد روان‌شناسی فرآیند، عناصر عاطفی (احساسی)، شناختی (معنایی) و رفتاری (عملکردی) دل‌بستگی را شامل می‌شود و بعد مکان، بر ویژگی‌های مکان شامل سطح فضای، خصوصیات ویژه و برجستگی عناصر فیزیکی با اجتماعی تأکید دارد (2: Scannell et al, 2010). به‌طور کلی، دل‌بستگی به یک موضوع مثل شی، مکان، فرد و سایر موضوعاتی که فرد در زندگی روزمره خود با آن رو به رو است، مبتنی بر تجارب قبلی زندگی، ساختارهای رفتاری، شناختی، حسی و اجتماعی فرد است؛ چرا که افراد بر این اساس، طرح رفتاری، شناختی، حسی و اجتماعی از «خود»، ساخته و تمام تجارب و رویارویی‌های تازه خود را با موضوعی نو بر پایه این طرح، ادراک، ساماندهی و طبقه‌بندی نموده و به خاطر می‌سپارند. علاوه بر این، دل‌بستگی گاه در بستر سیستم‌های رفتاری و اجتماعی هم‌چون فرآیند اجتماع‌پذیری فرد نیز ایجاد شده و با تهدید امنیت، فعال می‌شود. (54: Goldberg, 2000)

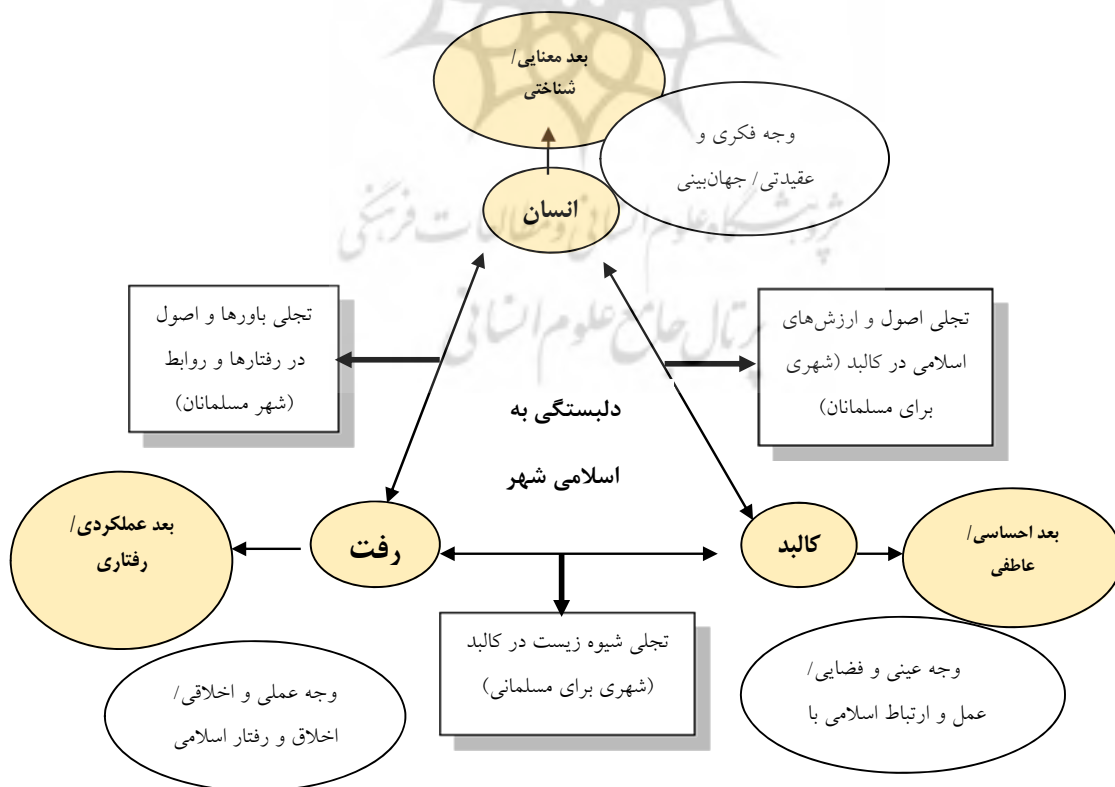
مدل دل‌بستگی به مکان با مراجعه به متون اسلامی، نیز بیشتر بر نقش انسان (مؤمن) و فرآیند تأکید دارد (تصویر ۲). فرآیند بر اساس قوانین حاکم بر عالم وجود، منجر به پاسخ‌گویی به اعتقادات و باورهای ساکنین می‌شود و هم‌چنین بر اساس اصول توصیه‌شده در متون اسلامی برای حیات انسان، منجر به اصول حقیقت‌جویی و کمال‌طلبی، خلاقیت و ابداع، خیر و فضیلت و جمال و زیبایی می‌شود (نقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۵۶). در این چارچوب، تک‌تک شهروندان، باورها و اصول خود را در رفتارها و روابط متجلی کرده و دل‌بستگی به شهر را تقویت می‌نمایند.

بررسی‌ها و رویکردهای بنیادین در کلام پیامبر اسلام (ص) در مفاهیم شهری، کمک‌شایانی به شناخت عمیق و اصیل مفاهیم شهری در اندیشه اسلامی و شهرسازی اسلامی می‌کند. با توجه به مفاهیم مطرح‌شده در قرآن و کلام پیامبر، مباحث شهری از ابعاد اجتماعی، کالبدی - فضایی و روان‌شناختی، واجد اهمیت و ضرورت است. ضرورت روان‌شناختی موضوع با توجه به بسط دیدگاه‌های انسان‌گرایی در حوزه شهری اهمیت می‌یابد.

مطابق با تعاریف محققان و نظریه‌پردازانی هم‌چون اسکنل^۵ (۲۰۱۰: ۲) و گلدبرگ^۶ (۲۰۰۰: ۵۴)، چارچوب سه‌گانه دل‌بستگی به مکان، متشکل از شخص، فرآیند و مکان است و فرآیند دل‌بستگی انسان بر اساس سه بعد شناختی/معنایی، عاطفی/احساسی و رفتاری/عملکردی با مکان در نظر گرفته می‌شود. با توجه به این پایه نظری و نیز مطالعه مفاهیم و متون اسلامی، تصویر ۳، عوامل و شاخص‌های تشکیل‌دهنده



تصویر ۲. چارچوب دل‌بستگی به مکان بر اساس متون اسلامی؛ مأخذ: نگارنده



تصویر ۳. ابعاد تشکیل‌دهنده دل‌بستگی به شهر اسلامی؛ مأخذ: (نگارنده بر اساس نظرات نقی زاده، ۱۳۸۵)

است و از سخنان حضرت است که منزل نیکو یکی از دو بهشت است (رسولی محلاتی، ۱۳۸۶: ۷۶). این احادیث، نشان‌دهنده مسکن در نگاه اسلامی به دنیا است و بر این اساس می‌توان انتظار داشت که مسکن اسلامی باید نشانه‌ای از اعتقادات غالب بر جامعه اسلامی را در خود داشته باشد. سه اصل زیر در ارتباط با مسأله مسکن در اسلام از دیدگاه سخنان امام علی (ع) در نهج البلاغه قابل بیان است:

- بعد اقتصادی: پول خرید خانه باید حلال بوده و غصبی نباشد.
- بعد اجتماعی: توجه به روابط همسایگی از اولویت‌های فرهنگ اسلامی است.
- بعد کالبدی: وسعت و شکوه مسکن، مورد مذمت است؛ مگر این که در جهت برگزاری آیین‌های شرعی و خدمت به خلق مورد استفاده قرار گیرد (فلاح منشادی، ۱۳۹۰: ۸۰).

دیدگاه دین در باب خانه می‌تواند راهنمایی مهم در تعیین ارزش‌ها از حوزه متعالی باشد. مطالعات آیات قرآن و روایات نشان داده‌اند که اصولاً اولین تذکرها، به ایده خلوت به دین اسلام باز می‌گردد. در این جا می‌توان نمونه‌هایی را بیان کرد: خلوت حضرت موسی (ع) در سوره اعراف، خلوت حضرت زکریا در سوره مریم (آیات ۳-۱)، خلوت پیامبر اکرم (ص) در سوره مزمل (آیات ۸-۱) و بیانات امام صادق (ع) در مصباح‌الشریعه (طهرانی، ۱۳۴۵: ۱۳۹). از این رو در اسلام، داشتن حریم و خلوت، یکی از حقوق روحانی و مقدس افراد و اجتماع و هم‌چنین یکی از حقایق ادیان است. از فواید خلوت می‌توان به رهایی یافتن از ریا، رهایی یافتن از مردم و حفظ دین، حفظ آبرو و رهایی از گناهان مردم اشاره کرد. حفظ حریم و شأنیت مسلمانان از نظر جنس و سن موجب شده تا مسلمانان خانه‌های خود را ذیل توجه به این باور دینی بسازند و این در ساخت منازل مسکونی و اماکن عمومی به نوعی تقسیم‌بندی فضایی از نظر عملکرد منجر شده که در معماری، «سلسله مراتب فضایی» نام گرفته است (کریمیان و عطارزاده، ۱۳۹۰: ۷۲).

خلوت، از مهم‌ترین خصوصیات یک خانه مطلوب است که مرزی مکانی و زمانی برای آن در اندیشه معماران و طراحان عالم متصور نیست و در هر دوره و هر مکتب، به تقدس حریم خانه و خصوصی بودن آن، متناسب با فرهنگ موجود در آن مکان - زمان، توجه شده است. معنای خلوت، خالی کردن خود از غیر خدا و آزادی از قیدوبندهای دنیوی محیط اطراف است. وستین^۷ به درجات خلوت اشاره کرده و آن را در چهار نوع و چهار عملکرد، طبقه‌بندی و تحلیل کرده است. از دیدگاه او

دل‌بستگی به شهر اسلامی را نشان می‌دهد که شامل سه مؤلفه انسان (مؤمن) به‌عنوان وجه فکری و جهان‌بینی توحیدی، کالبد به‌عنوان وجه عینی و ارتباط اسلامی با عالم و رفتار نیز به‌عنوان وجه اخلاقی و رفتار اسلامی، به ترتیب متناظر با سه بعد معنایی، احساسی و عملکردی است. در ارتباط انسان با کالبد، اصول و ارزش‌های اسلامی در کالبد (شهری برای مسلمانان) متجلی می‌شود و در ارتباط انسان با رفتار، باورها و اصول در رفتارها و روابط مسلمانان و در تعامل کالبد و رفتار، شیوه زیست در کالبد (شهری برای مسلمانی) متجلی می‌شود.

مؤلفه‌های مطرح‌شده در محیط شهری (مقیاس خانه، محله و شهر) برگرفته از متون اسلامی

مهم‌ترین موضوعی که در ارتباط با مسکن باید مورد توجه قرار گیرد، انسان است. انسان به‌تبع طبیعت ثلاثه خویش (متشکل از بدن، نفس و روح)، نیازهای سه‌گانه‌ای نیز دارد که هر یک از این نیازها به قلمرو خاصی از حیات تعلق داشته و فراهم آوردن زمینه تحصیل زندگی و حیاتی طیب و سازگار با طبیعت و فطرت انسان ضرورت دارد. در اسلام و آیات قرآنی، تأکید ویژه‌ای بر اهمیت و جایگاه خانه مسکونی جهت کسب آرامش روحی و معنوی شده است. مهم‌ترین نتیجه آرامش، تلطیف و معنویت فضای یک خانه، قابلیت تأمین و توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای معنوی و روحی انسان چون تفکر، حضور و آرامش قلب است. اعتقادات و باورهای دینی، بر مسکن سنتی ایران تأثیر گذاشته و در حکم نقشه پنهان عمل نموده است. برای مسکن و عوامل مربوط به مقوله سکونت، دو دسته ویژگی وجود دارد؛ ویژگی‌های اثباتی که رعایت کردن آنها توصیه می‌شود و دسته دوم، ویژگی‌های سلبی هستند که حذف یا عدم اجازه به ظهورشان ضرورت دارد که از جمله آنها عبارتند از صفات مسکن (مثل امنیت، ایمنی، خصوصیت، آرامش و مانند آنها)، امکانات مسکن (از قبیل زمینه امکان ارتباط انسان با طبیعت، امکان مرتفع شدن نیازهای انسانی و امکان دسترسی به منابع تأمین‌کننده نیازها) و انتظارات از مسکن یا تأثیر مسکن بر مقولات اجتماعی (مانند ترجیح هویت جمعی به هویت فردی، احترام به حقوق دیگران، کمک به وحدت جامعه و مانند آنها) (نقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۰۵).

امام علی (ع)، تأمین مسکن خلق را پرتوی از تدبیر الهی می‌داند و در این باره به مسکن دادن پرندگان گوناگون در لابه‌لای شکاف‌های زمین، دره‌های گشاده و قله کوه‌ها اشاره کرده و آن را نشانه‌ای از حقیقت توحید می‌داند (معادیکخواه، ۱۳۷۳: ۱۵۵) و یا در جای دیگر در توصیف خداوند به این اشاره دارد که او کسی است که خلق را در دنیا اسکان داده

نخستین نوع خلوت؛ تنهایی است که می‌توان از آن به خلوت فردی تعبیر کرد، دومین نوع خلوت؛ محرمیت است که جز با حضور دو نفر و یا بیشتر معنا نمی‌شود که می‌توان از آن به خلوت گروهی تعبیر کرد، سومین نوع؛ «گمنامی» یا گم شدن درون جمعیت و نوع آخر خلوت؛ خودداری یا توداری است (جدا شدن روانی از جمعیت) (آلمن، ۱۳۸۲: ۸۷). در تطابق این تفکیک‌ها با تقسیم‌های خلوت در تفکر اسلامی، خلوت جسمانی، مشابه با تنهایی و محرمیت عنوان شده در تفکیک‌های وستین است و خلوت روحانی بیشتر مطابق با نوع چهارم خلوت از دیدگاه وستین یعنی توداری است که در هر دو دیدگاه، این امر وابسته به پیشرفت روحی یک انسان برای حفظ خلوت درونی خود به‌نظر می‌رسد. در **جدول ۳**، مفاهیم مرتبط با مقیاس خانه در متون اسلامی ارائه می‌شود. حیات انسان در ابعاد مختلفی قابل بررسی است که هر بعد، نیازهای خاص خود را دارد. برای حیات انسان سه بعد روحانی، نفسانی و جسمانی قابل تصور است و به تناسب این سه

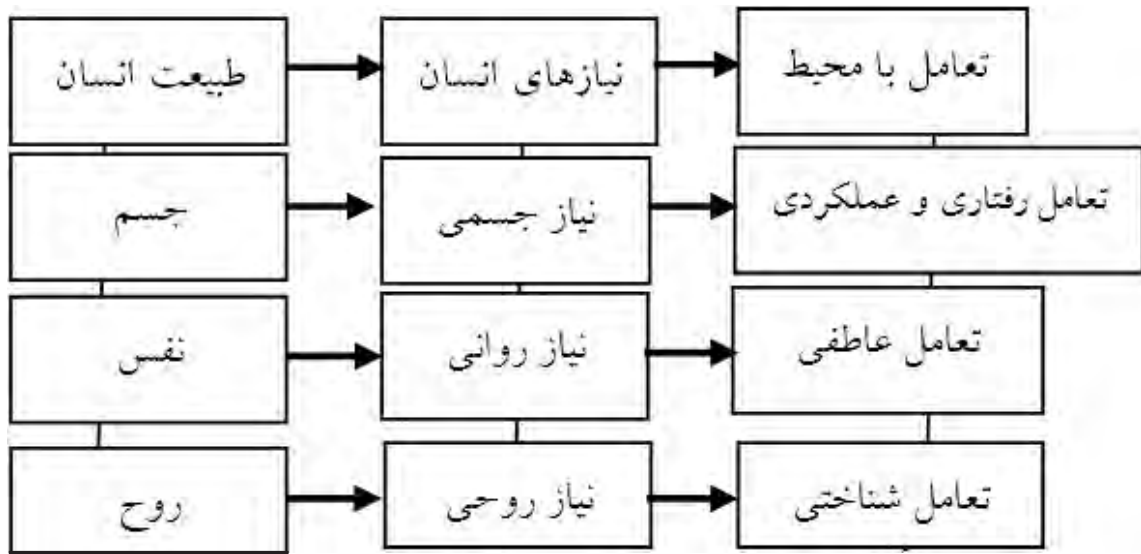
ساحت از حیات، نیازهای انسان نیز تحت سه مقوله نیازهای مادی یا فیزیولوژیکی (مثل خوراک و پوشاک و مسکن و امثال آنها)، نیازهای نفسانی (مثل آزادی، حبّ ذات و سایر نیازهای روانی) و نیازهای روحانی (مثل ارتباط با مبدأ هستی و جنبه‌های معنوی و مرتبط با ماوراءالطبیعه) تقسیم‌بندی می‌شوند (نقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۷۶). ارتباط نیازهای انسانی با محیط را می‌توان در سه تعامل بیان کرد: تعامل عاطفی با محیط؛ پاسخگوی نیاز روانی انسان (بعد احساسی)، تعامل شناختی با محیط؛ پاسخگوی نیاز روحی انسان (بعد معنایی) و تعامل رفتاری و عملکردی با محیط، پاسخگوی نیاز جسمی انسان است (بعد عملکردی) (**تصویر ۴**).

آیات ۸۱ و ۸۲ سوره نحل، به لزوم تأمین نیازهای سه گانه انسان در خانه اشاره دارد: حفاظت از سرما و گرما (نیازهای مادی)، آزادی‌های فردی و آرامش (نیازهای روانی)، حفظ هویت فکری و اعتقادی (نیازهای معنوی). طبق **تصویر ۵**، ویژگی‌های اثباتی مسکن را می‌توان در سه خصوصیت صفات

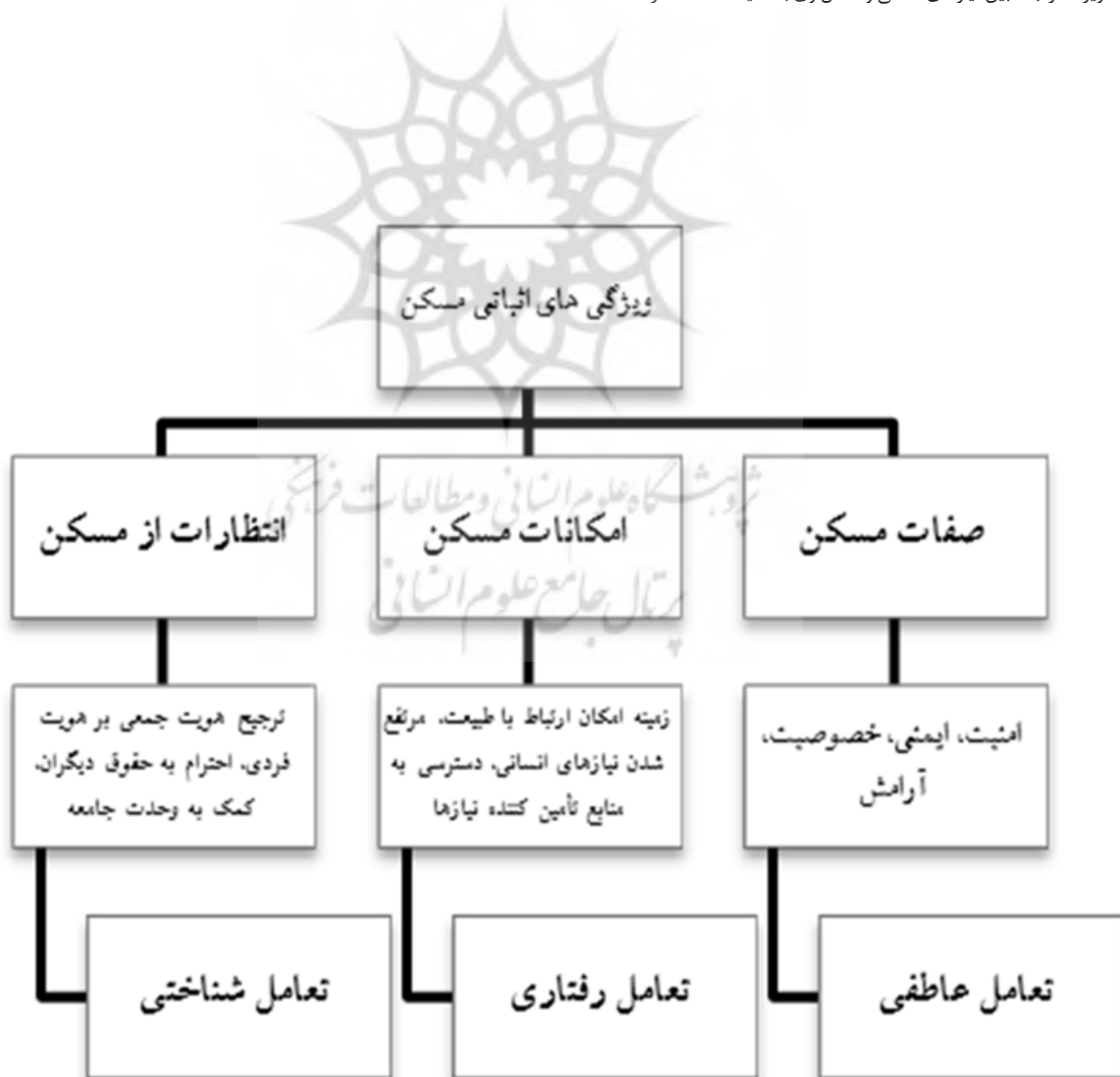
جدول ۳. مفاهیم مرتبط با خانه در احادیث و متون اسلامی

مؤلفه‌های استخراج شده در مقیاس خانه	احادیث مرتبط با مفاهیم خانه
آسایش و آرامش در خانه	فایده وجود بناهای شخصی حفاظت از سرما و گرما، سلامت ساکنان، تأمین آزادی‌های فردی، حفظ هویت فکری و اعتقادی و به گونه کلی برای آسایش و آرامش است (سوره نحل، آیات ۸۱ و ۸۲).
اندازه مسکن متناسب با نیاز	هر مقدار ساختمانی که بیش از اندازه است برای تو بال است، یکی برای خواب فرزندان و دیگری برای مهمان. البته به تناسب افراد فرق می‌کند ^۱ (الکافی، ج ۶: ۵۳۱). ساختمان بیش از مورد نیاز، مسئولیت در قیامت دارد ^۲ (المحاسن، ج ۲: ۶۰۸). «هر ساختمانی که به اندازه نیاز نباشد، عامل ناگوار زیستن صاحبش در روز واپسین خواهد گشت» (امام صادق (ع)، بحارالانوار، ج ۷۶: ۱۵۰).
دقت در انتخاب زمین یا مسکن	مسکن گرفتن خوش نمی‌گذرد مگر به سه چیز: هوای خوش، آب فراوان و گوارا، و زمین حاصل خیز ^۱ (تحف العقول، ج ۲: ۳۲۰).
آرامش	خدا خانه‌هایتان را جای آرامستان قرار داد ^{۱۱} (نحل/۸۰).
حریم	«خانه هر کس حرم اوست» (رسول اکرم (ص)، نهج الفصاحه: ۳۳۱، حدیث ۱۵۸۲).
توجه به تعاملات و خدمت به خلق در خانه	«هر چیز زکاتی دارد و زکات خانه اتاق پذیرایی از میهمان است» (همان: ۴۷۸).
اندازه مناسب خانه	«سه چیز مایه سعادت است، همسایه خوب، خانه وسیع و مرکب خوش رفتار» (همان: ۲۶۰)
وسعت حیاط (فضای باز) و توجه به بعد اجتماعی خانه	«برای خانه شرافتی است و برکتی، شرافت آن در وسیع بودن حیاط، منزل و صالح بودن خانوار است. اما برکت آن در برتری نشیمن‌گاه، وسعت صحن و نیکو بودن همسایه‌هایش نهفته است» (حضرت علی، بحارالانوار، ج ۷۶: ۱۴۸).
توجه به حرمت و حریم خانه	«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیریید و بر اهل آن خانه سلام کنید و این برای شما بهتر است. شاید متذکر شوید و اگر کسی در آن خانه نیافتید، داخل نشوید تا به شما اجازه داده شود و اگر گفتند برگردید، بازگردید که برای شما پاکیزه‌تر است و خدا به آن چه انجام می‌دهید، آگاه است» (سوره نور، آیات ۲۷ و ۲۸).

مأخذ: نگارنده



تصویر ۴. ارتباط بین نیازهای انسانی و تعامل وی با محیط؛ مأخذ: نگارنده



تصویر ۵. ارتباط و تعامل ویژگیهای اثباتی مسکن با انسان؛ مأخذ: نگارنده

مسکن، امکانات مسکن و انتظارات از مسکن بیان کرد که هر ویژگی با یک بعد دل‌بستگی در تعامل است؛ تعامل عاطفی با صفات مسکن، تعامل رفتاری و عملکردی با امکانات مسکن و تعامل شناختی با انتظارات از مسکن، هماهنگ و متناسب است (در تصویر ۵ نشان داده می‌شود).

خانم علی ابراهیم، با توجه به احادیث، از روابط همسایگی نمونه نام می‌برد؛ چرا که این روابط، به تعیین اندازه ایده‌آل بنیاد شهر و مسافت و تراکم مناسب آن می‌پردازد. به نظر او، یک جماعت ۱۶۰ خانواری (۱۶۰ نفری) می‌تواند به‌طور هماهنگ، موجب تحکیم روابط همسایگی و هم‌بستگی شود. شرایط اجتماعات مسلمانان در شهرها، به پیدایش سطوح گوناگونی از پیوندها فرصت ظهور داده است. اهداف و منافع شغلی، اهداف همیاری، تعصب‌های محله‌ای، مذهبی و قومی، از جمله مهم‌ترین محورهای پیوند ساکنان شهرها با یکدیگر بوده‌اند (پور احمد و موسوی، ۱۳۸۹: ۵).

تعصب محله‌ای در شهرهای اسلامی، از پیوندهای قومی، مذهبی و خاستگاه روستایی ساکنان نشأت می‌گرفت. «در شهرهای سنتی ایران، نواحی مسکونی به محله‌های مختلف و مجزا تقسیم می‌شدند و افراد با علایق مشابه یا سوابق یکسان در محله‌های خود برای تأمین راحتی، حمایت و امنیت بیشتر گرد هم می‌آمدند. تقسیم محله‌ها بر اساس تفاوت‌هایی در زمینه قومی، مذهبی، حرفه‌ای و شغلی یا خاستگاه شهری و روستایی بود» (خیرآبادی، ۱۳۷۶: ۱۰۶). «تعصب مذهبی

به همان اندازه که موجب هم‌بستگی داخلی بین پیروان یک مذهب و یا چند محله می‌شد، وجود محله‌هایی در تضاد و تقابل با یکدیگر در شهر، از خصیصه‌های بارز شهرها در دوره اسلامی بود. در آن زمان، ارتباط همه با سازمان اجتماعی عشیره‌ای خود در بیرون شهر از رابطه آن با محله‌های مجاور بیشتر بوده است» (حبیبی، ۱۳۸۳: ۴۹). در **جدول ۴** و ۵ به ترتیب، مفاهیم مرتبط با مقیاس محله و شهر در متون اسلامی ارائه می‌شوند.

در خصوص تأثیر اعتقادات و فرهنگ اسلامی بر دل‌بستگی افراد، مطهری به برخی از نتایج روان‌شناختی تفسیر دینی از زندگی اشاره دارد: ۱- بهجت‌آفرینی (خوش‌بینی)، ۲. روشن‌بینی، ۳. امیدواری، ۴. آرامش خاطر، ۵. اجتماعی بودن، ۶. روابط اجتماعی (مطهری، ۱۳۵۸: ۱۲۳)؛ بنابراین زندگی مذهبی دارای دو صفت مهم است: اول این‌که زندگی دارای فضایی می‌شود که گویا رحمت محض است و به شکل یک زندگی سرشار از نشاط و سرور و بهجت در می‌آید، دوم این‌که یک اطمینان و آرامش باطنی و امیدواری ایجاد می‌شود که آثار ظاهری آن، نیکویی و احسان بی‌دریغ است و حس نوع‌دوستی و مسئولیت‌پذیری نسبت به هم‌نوعان را در وجود آدمی ایجاد می‌کند که این مباحث در واقع همان نتایج موضوع دل‌بستگی مکانی است که در میان افراد مؤمن و دین‌دار، میزان دل‌بستگی به هم‌نوعان و دل‌بستگی به مکان افزایش می‌یابد.

جدول ۴. مفاهیم مرتبط با محله در احادیث و متون اسلامی

مؤلفه‌های استخراج شده در مقیاس محله	احادیث مرتبط با مفاهیم محله
اهمیت بعد اجتماعی بر بعد کالبدی همسایگی	«همسایه خانه، سزاوار به خانه همسایه است» (حدیث شماره ۱۳۵۵).
رعایت حق همسایگی	«حق همسایه آن است که ... و خانه خود را بالاتر از خانه او نسازی تا باد بر آن‌ها مسدود شود» (حدیث شماره ۲۱۸۳).
محدوده همسایگی	«چهل خانه از هر طرف (پیش و پشت و راست و چپ) همسایه است» (الکافی، ج ۲: ۶۶۹).
اهمیت فضاهای سبز	سه چیز مایه روشنی دیده‌اند: نگاه به سبزه و به آب روان و به روی نیکو (مستدرک الوسائل، ج ۱۳: ۴۶۰).
اهمیت حسن سلوک و رفتار نیکو در واحدهای همسایگی	بهترین همسایه نزد خداوند آن است که به همسایه خود بهتر باشد (حدیث شماره ۱۷۳۷).
توصیه به روابط همسایگی و اهمیت همسایه خوب	قبل از خرید خانه به دنبال همسایه خوب باشید (حدیث شماره ۲۱۷۷).
روابط همسایگی بهینه و اهمیت پیوندهای عاطفی	پیوند با خویشاوندان و خوش اخلاقی و خوب همسایگی کردن، شهرها را آباد و عمرها را زیاد می‌کند (حدیث شماره ۲۳۸۱).
اهمیت روابط همسایگی خوب	داشتن همسایه خوب شهرها را آباد و عمرها را دراز می‌کند (حدیث شماره ۳۱۸۲).

مأخذ: نگارنده بر اساس مطالعه احادیث

وحدت اسلامی، یکی از مباحث مهم مطرح شده در حوزه روابط اجتماعی است که تعالیم قرآنی بر آن تأکید ورزیده و مسلمین را به آن دعوت و ترغیب نموده است. نقی زاده، برای این وحدت نیز مختصاتی را برشمرده و به عواملی که باعث تقویت آن می شود، اشاره کرده است: تمسک به ریسمان الهی، همکاری بر مبنای تقوی، عبادت خدا، امر به معروف و نهی از منکر، برادری و حقوق همسایگی (نقی زاده، ۱۳۸۵: ۴۸). بنابراین مطالب مطرح شده، تأکید بیشتری بر جنبه های اجتماعی احساس تعلق و دل بستگی به مکان نسبت به جنبه های کالبدی دارند. مؤلفه های استخراج شده از احادیث و متون اسلامی در سه مقیاس خانه، محله و شهر را می توان در دو عامل کالبدی و اجتماعی طبق جدول ۶ جمع بندی نمود.

فضای فکری که در محله سنتی ایرانی حاکم بوده، نقش مهمی در تعلق اجتماعی و هویت بخشی فضای محله ایفا نموده است. این فضای فکری که منبعث از ارزش های انسانی و بینش اعتقادی و اخلاقی اهل محله بوده، موجب ایجاد تعلق اخلاقی خاص و هم چنین مسئولیت پذیری نسبت به فضا و مکان گشته است. یک مکان به دلیل امکان رخداد یک رابطه اجتماعی و تجربه مشترک میان افراد، احساس تعلق و دل بستگی را شکل می دهد (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۳۱۹). بخشی از شخصیت وجودی هر انسان که هویت اجتماعی وی را می سازد، مکانی است که خود را با آن شناسایی کرده و به دیگران نیز می شناساند؛ طوری که آن را می توان خودهمانی با فضا نامید و در این راستا، فرآیندهای اجتماعی در ایجاد تعلق مکانی بیش از کیفیت کالبدی اهمیت دارند (رضازاده، ۱۳۸۴: ۴۰).

جدول ۵. مفاهیم مرتبط با شهر در احادیث و متون اسلامی

مؤلفه های استخراج شده در مقیاس شهر	احادیث مرتبط با مفاهیم شهر
قاعده لاضرر و لاضرار در فضاهای شهری	«اذیت و آزار را از راه و مسیر مسلمانان صاف و هموار کن» (حدیث شماره ۸۶).
توجه به روابط اجتماعی مسلمانان (امت واحده اسلامی)	«کسی که به اندازه یک وجب از جماعت مسلمانان دور شود، خداوند ریسمان اسلام را از گردنش بیرون می آورد» (حدیث شماره ۳۰۵).
لزوم همبستگی و زندگی اجتماعی و همراهی با امت	«برکت همراه جماعت است» (حدیث شماره ۶۲۸).
پرهیز از سد معابر شهری و اذیت شهروندان	بدترین جا برای نشستن، بازارها و در راه عبور و مرور مردم است (حدیث شماره ۵۳۲).
سفارش به نیکی در اخلاق شهروندی	با یکدیگر برابری کنید تا دل هایتان با یکدیگر برابر شود و باهم در ارتباط باشید و به داد هم برسید (حدیث شماره ۵۹۶).
عدالت در شهر	اگر یکی از شما به شهری داخل شد که سلطان عادل ندارد، اصلاً در آن جا اقامت نکند (حدیث شماره ۷۵۷).
سرزندگی و فضاهای تفریحی در شهر	«به تفریح رفته و بازی کنید زیرا من دوست ندارم تا در دین شما سختی خشک مقدسی دیده شود» (حدیث شماره ۹۶۲).
توجه به امور شهروندان و مشارکت	«کسی که صبح کند در صورتی که توجه به امور مسلمین نداشته باشد، مسلمان نیست» (حدیث شماره ۱۳۸۴).
نگهداری از محوطه ها و محیط های شهری	«از زمین محافظت کنید زیرا مانند مادر شماس است» (حدیث شماره ۱۹۸۰).
فضاهای پاک و سالم در محیط شهری	پاکیزه کردن خانه بی نیازی را به دنبال دارد (حدیث شماره ۱۳۵۶).
نظافت مسیرهای شهری	ایمان هفتاد و اندی شاخه و راه دارد. کمترین و آسانترین آن زدودن مانع و مایه اذیت از جاده و راه است (الجامع الصغیر ج ۱: ۴۷۸).
کمک به شهروندان در محیط شهری و نظافت آن	هر کس از سر راه مسلمانان موجبات آزار رهگذران را برآورد، خدا برای وی ثواب قرائت چهارصد آیه می نویسد که هر حرفی از آن، ده حسنه دارد (الأمالی، طوسی: ۱۸۳).
اهمیت چشم انداز در فضاهای شهری	شهر هایتان را به لحاظ مکان و نمای زیبا به گونه ای بسازید که چشم نواز بوده و چشم انداز داشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۵۳۴).

مأخذ: نگارنده بر اساس مطالعه احادیث نهج الفصاحه

جدول مذکور نشان می‌دهد که عوامل کالبدی بیشتر در مقیاس خانه و عوامل اجتماعی نیز بیشتر در دو مقیاس محله و شهر، حائز توجه و اهمیت هستند. این موضوع هم‌چنین تأکید متون اسلامی بر برقراری تعاملات اجتماعی و جمعی بودن بر فردی بودن را تأیید می‌نماید.

بیش‌ترین تکرار معیار مورد سفارش در کلام پیامبر، مشتمل بر اهمیت و سفارش به همسایه و روابط همسایگی در فضاهای زیستی است (جدول ۷). در کلام پیامبر، علاوه بر تذکرات اخلاقی و احیای روح معنوی در فضاهای شهری نظیر موارد اخلاقی و حسن سلوک شهروندان و توجه به فضاهای عبادی و نیایشی، توجه به حرکت و ارتباطات فضاها، نظام فضای سبز، عمران و ساخت‌وساز شهری، فضای اقتصادی مناسب در شهر، امکان حضور آب و باد در فضاهای شهری، تشویق به نظام شهرنشینی، تفریح، آزادی، پاکیزگی، عرف، نظام رنگ و ... نیز مورد توجه پیامبر بوده است.

عوامل مؤثر در شکل‌گیری دل‌بستگی به مکان از نظر محققان

عوامل فردی: داوی در این باره می‌گوید: «مکان‌ها، انعکاس‌دهنده هویت‌ها، تفاوت‌ها و رقابت در گروه‌های

مختلف بر اساس جنسیت، طبقه، مذهب، قوم، فرهنگ و نشان‌دهنده گرایش‌های سیاسی افراد، قدرت، آزادی، علائق، نظام اجتماعی و علائق مشترک در انگیزه مصرف هستند» (Dovey, 1999: 86). در تبیین ویژگی‌های فردی و نقش آن در نحوه تعامل با مکان، به عوامل مختلفی چون سن، جنس، درآمد، وضعیت تأهل، تحصیلات، طبقه اجتماعی و شغل اشاره شده است (Pretty et al, 2003: 285; Bonaiuto et al, 1999: 349). برخی از مطالعات حاکی از آن است که جنسیت، عامل تعیین‌کننده‌ای در دل‌بستگی به مکان نبوده است (Cohen et al, 1985: 114) و در مواردی که دل‌بستگی بیشتری در زنان مشاهده شده، علت آن، گذراندن زمان بیشتر با مکان، گزارش شده است (Marcus et al, 1986: 79). سطح درآمد فرد نیز عامل تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری انتظارات او از مکان و در نتیجه انتخاب نوع خاصی از مکان توسط او گزارش شده است؛ به‌عنوان مثال، افراد با سطح درآمد پایین‌تر تمایل بیشتری به داشتن شبکه اجتماعی محلی در محل سکونت خود دارند (Sanoff, 1970: 146; Cohen et al, 1985: 124).

عوامل کالبدی: مطالعات انجام‌گرفته در حوزه دل‌بستگی به مکان، در پی پاسخ‌گویی به این پرسش هستند که کدام

جدول ۶. جمع‌بندی مؤلفه‌های استخراج شده از متون اسلامی در دو عامل کالبدی و اجتماعی در سه مقیاس خانه، محله و شهر

مقیاس مکان	عوامل کالبدی	عوامل اجتماعی
خانه	آسایش، اندازه مسکن متناسب با نیاز، دقت در انتخاب زمین یا مسکن، حریم، اندازه مناسب، وسعت حیاط (فضای باز)، پاکیزگی	آرامش، توجه به تعاملات و خدمت به خلق، توجه به حرمت
محله	محدوده همسایگی، اهمیت فضای سبز	رعایت حق همسایگی، اهمیت حسن سلوک و رفتار نیکو در واحدهای همسایگی، اهمیت همسایه خوب، اهمیت بعد اجتماعی بر بعد کالبدی، اهمیت پیوندهای عاطفی
شهر	سرزندگی و فضاهای تفریحی، نگهداری از محوطه‌ها و محیط‌های شهری، فضاهای پاک و سالم، نظافت مسیرهای شهری، پرهیز از سد معابر شهری، اهمیت چشم‌انداز در فضاهای شهری، فضای سبز	قاعده لاضرر و لاضرر در فضاهای شهری، توجه به روابط اجتماعی مسلمانان، لزوم همبستگی و همراهی با امت، سفارش به نیکی در اخلاق شهروندی، عدالت در شهر، توجه به امور شهروندان و مشارکت، حقوق شهروندی

مأخذ: نگارنده

جدول ۷. اولویت‌بندی سطوح اهمیت موارد سفارش پیامبر(ص) مرتبط با شهر طرح شده در نهج الفصاحه

سطوح اهمیت موارد مطرح شده	تعداد عناوین مورد اشاره	میزان تکرار در کلام حضرت رسول اکرم (ص)	موارد ذکر شده
سطح اول	۱ مورد	۳۲ بار	اهمیت و سفارش به همسایه و روابط همسایگی
سطح دوم	۱ مورد	۱۲ بار	توجه به اخلاق در شهر و روابط شهروندی
سطح سوم	۱ مورد	۱۰ بار	حسن سلوک در روابط شهروندی و توجه به حل مشکل مسلمانان

مأخذ: نگارنده

از تأثیرگذارترین و وسیع‌ترین آیین‌ها در میان شیعیان، مراسم سوگواری امام سوم است. مجتمع‌های زیستی سنتی در پی پاسخ‌گویی به نیازهای ساکنان آن با مناسبات بسیار پیچیده، بنا شده‌اند. مجموعه در هم تنیده‌ای از عوامل محیطی، جغرافیایی، اقلیمی و آداب‌ورسوم و آیین‌ها، در شکل‌گیری ساختار شهرهای سنتی ایرانی نقش داشته‌اند. شهرهای واجد بافت سنتی، دارای نمادهای خاطره‌انگیز بسیاری بوده که سبب حس هم‌بستگی، تعلق به مکان، احساس هویت و تداوم خاطرات جمعی می‌شوند (حبیب و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۲۰). در تحقیق حاضر، سه عامل مؤثر بر دل‌بستگی به مکان (فردی، کالبدی و اجتماعی) در سه مقیاس مکانی (خانه، محله و شهر) در نمونه محله تاریخی سرخاب تبریز مورد بررسی و آزمون قرار گرفته‌اند. مدل عملیاتی تحقیق، بر اساس جمع‌بندی مؤلفه‌های استخراج‌شده از متون اسلامی و نیز نظرات محققان و اندیشمندان (Lewicka, 2010: 46)، در **تصویر ۶** ارائه می‌شود.

یافته‌های عوامل مؤثر بر دل‌بستگی به مکان در محله تاریخی سرخاب تبریز

تأثیر عوامل فردی

تأثیر گروه‌های سنی بر دل‌بستگی به سه مقیاس مکانی: چهار گروه سنی (۳۰-۱۸)، (۴۵-۳۱)، (۶۰-۴۶) و (بالای ۶۱) برای آزمون میانگین در نظر گرفته شدند. نمودارهای زیر نشان می‌دهند که برای دل‌بستگی به خانه و شهر و گروه‌های سنی، رابطه خطی برقرار است (**تصویر ۷**)؛ یعنی با افزایش سن، دل‌بستگی به خانه و شهر افزایش می‌یابد. دل‌بستگی به محله و شهر در گروه سنی بالای ۶۱ سال، بیشترین و در گروه‌های سنی (۳۰-۱۸) کمترین میزان است.

تأثیر جنسیت: بین جنسیت و دل‌بستگی به سه مقیاس، تفاوت معنی‌داری است. نمودارهای **تصویر ۸** نشان می‌دهند که دل‌بستگی در مقیاس خانه و شهر در گروه زن بیشتر از مرد است، اما در مقیاس محله، دل‌بستگی در گروه مرد بیشتر است (نمودار **تصویر ۸** سمت چپ).

تأثیر وضعیت تأهل: بین وضعیت تأهل و دل‌بستگی به سه مقیاس، تفاوت معنی‌داری است. دل‌بستگی به هر سه مقیاس بین افراد متأهل بیشتر از افراد مجرد است (نمودار **تصویر ۸** سمت راست).

تأثیر شغل: بین دل‌بستگی به خانه و شهر در گروه‌های شغلی (خانه‌دار، دانشجو، شغل آزاد، کارمند)، ارتباط خطی برقرار است، اما برای دل‌بستگی به محله برقرار نیست. دل‌بستگی به خانه و شهر در میان گروه‌های خانه‌دار، بیشترین و در

نوع از مکان‌ها برای مردم اهمیت دارند و دلیل این احساس چیست؟ نتایج، حاکی از این است که ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی مکان، هر دو به یک میزان در ایجاد دل‌بستگی به مکان نقش دارند. مطالعات استدمن، اشاره به نقش مستقیم بعد کالبدی مکان در رضایت‌مندی و نقش غیرمستقیم بر دل‌بستگی به مکان دارد که در عین حال متأثر از معانی نمادین مکان نیز است (Stedman, 2003: 678). لویکا در تحقیقی، عوامل کالبدی دل‌بستگی به مکان را شامل موارد زیر می‌داند: ۱. نوع مسکن (بلوک‌های آپارتمانی - ساختمان بلندمرتبه، خانه‌های فردی (مجزا یا ردیفی) و آپارتمان‌هایی با استاندارد بالا)، ۲. اندازه ساختمان (تعداد طبقات، تعداد آپارتمان‌ها در ساختمان و تعداد آپارتمان‌ها در حال ورودی مشترکین)، ۳. پیش‌بینی‌های ایمنی، ۴. بررسی آپارتمان، ساختمان و محدوده‌های ساختمان (Lewicka, 2010: 41). عوامل اجتماعی: برخی از محققین، دل‌بستگی به مکان را مبتنی بر مشارکت مردم در مکان، میزان اشتغال به شبکه‌های اجتماعی و تعاملات فرهنگی دانسته‌اند که نقشی مساوی و یا حتی مهم‌تر از کالبد مکان دارند (Marcus, 1992: 89). بر این اساس، دل‌بستگی به مکان با سه عامل بیان می‌شود: ۱. ویژگی‌های گروهی و فردی کاربران مکان، ۲. میزان تماس و صمیمیت افراد در مکان، ۳. میزان مشارکت در فعالیت‌های گروهی و مراسم جمعی (Brown et al, 1985: 548). آن‌چه در این میان حائز اهمیت است، آن است که دریافت فضای اجتماعی مطلوب از سوی افراد، سبب افزایش رضایت و تشویق ارتباطات غیررسمی و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و در نتیجه، سبب توسعه و بهبود دل‌بستگی به مکان در آنها می‌شود (Fisher et al, 1977: 156; Cohen et al, 1985: 160; Rohe et al, 1994: 130). رایگر و لاوراکاس پیشنهاد داده‌اند که «دل‌بستگی اجتماعی» یا «هم‌بستگی»، شامل روابط اجتماعی، تعلق به محله و آشنایی با ساکنان و بچه‌های محله، و «دل‌بستگی فیزیکی» یا «ریشه‌داری»، با مدت سکونت، مالکیت و برنامه‌ریزی برای ماندن، قابل‌پیش‌بینی است (Riger et al, 1981: 61). لویکا نیز در تحقیق خود، عوامل اجتماعی دل‌بستگی به مکان که محدوده آنها از روابط نسبتاً دور (مانند احوال‌پرسی یا شناخت در خیابان) تا روابط خیلی نزدیک (مانند تحویل کلیدهای آپارتمان به همسایگان یا تقاضای کمک) است را شامل این موارد می‌داند: ۱. روابط محله، ۲. حس امنیت (Lewicka, 2010: 43). در **جدول ۸**، نتایج یافته‌های محققان درباره عوامل مؤثر بر دل‌بستگی به مکان ارائه می‌شوند.

ساختار شهرهای سنتی ایرانی، نشان از تطبیق کامل استخوان‌بندی و سازمان فضایی شهرها با آداب جمعی دارد.

میان دانشجویان، کمترین میزان است. در مقیاس محله، دل‌بستگی به محله در میان گروه‌های شغل آزاد، بیشترین و در میان دانشجویان، کمترین میزان است؛ بنابراین در میان دانشجویان، دل‌بستگی به هر سه مقیاس، کمترین میزان است. تأثیر تحصیلات: بین تحصیلات و دل‌بستگی به سه مقیاس، تفاوت معنی‌داری است. با افزایش تحصیلات، دل‌بستگی به شهر کاهش می‌یابد. دل‌بستگی به خانه و محله در گروه دیپلم، کمترین میزان و به ترتیب در گروه زیر دیپلم و بی‌سواد، بیشترین میزان است (تصویر ۹).

تأثیر مالکیت مسکن: بین دل‌بستگی به محله و شهر و مالکیت مسکن، ارتباط خطی برقرار است. در مالکیت شخصی، میزان هر سه دل‌بستگی، بیشترین میزان است؛ اما تأثیر آن بر دل‌بستگی به خانه، معنی‌دار نیست. تأثیر مالکیت ماشین: بین مالکیت ماشین و دل‌بستگی، ارتباط معنی‌داری وجود دارد. عدم مالکیت ماشین، باعث افزایش میزان دل‌بستگی به سه مقیاس می‌شود. نوع مسکن: نوع مسکن با همه مؤلفه‌ها ارتباط معنی‌داری دارد به جز دل‌بستگی به خانه. میزان دل‌بستگی به محله در

جدول ۸. نتایج یافته‌های محققان درباره عوامل مؤثر بر دل‌بستگی به مکان

عوامل مؤثر بر دل‌بستگی	نتایج یافته‌های محققان
عوامل فردی	وضعیت خانواده مانند داشتن فرزند یا ازدواج عامل مثبت ارتقاء حس سرمایه‌گذاری در محله (کمیل و لی، ۱۹۹۳)؛ سن، عامل مثبت دل‌بستگی به مکان؛ ارتباط مثبت با مالکیت خانه و حس امنیت (لویکا، ۲۰۰۹)؛ نوع مسکن ارتباط منفی با مدت سکونت؛ سطح شخصی سازی محوطه‌های ساختمان؛ نوع مسکن ارتباط مثبت با مالکیت آپارتمان؛ نگهداری از محوطه‌های ساختمان؛ حس امنیت؛ اندازه ساختمان ارتباط منفی با دل‌بستگی به مکان؛ حس امنیت؛ ظاهر محوطه ساختمان (لویکا، ۲۰۰۹)؛ وضعیت مالکیت، روابط محله و حس امنیت از عوامل مستقیم مثبت دل‌بستگی به مکان؛ وضعیت مالکیت، عامل مثبت دل‌بستگی به خانه؛ وضعیت مالکیت عامل منفی دل‌بستگی به شهر و ناحیه شهر (لویکا، ۲۰۰۹)؛ مدت سکونت و سن، همبستگی بیشتر با دل‌بستگی به مقیاس کوچکتر نسبت به مقیاس بزرگتر (شامی و ایلیتو، ۲۰۰۵)؛ تعداد جابجایی‌ها، شاخص مثبت دل‌بستگی به خانه (کوبا و هامون، ۱۹۹۳).
عوامل کالبدی	اظهار رضایت افراد مسن‌تر از سکونت در محلات حومه در مقابل محلات سنتی و بیان ترجیحات ساکنین حومه مرتبط با محیط اجتماعی محله خود (لاوجوی، ۲۰۱۰)؛ انتقاد از الگوهای توسعه حومه، از جهت وابستگی به اتومبیل شخصی و نبود حس مکان مربوطه (دوانی، ۲۰۰۰)؛ تعداد بیشتر یادآورهای شهری و درصد بیشتر نسل مسن‌تر عامل مثبت دل‌بستگی مکانی (لویکا، ۲۰۰۸)؛ ترجیحات مردم به مکانهای تاریخی نسبت به معماری مدرن (نسر، ۱۹۹۸)، ایجاد حس پیوستگی با گذشته در محیط‌های تاریخی و تجسم سنت‌های گروهی (دیواین و رایت، ۱۹۹۷؛ های، ۱۹۹۸؛ هایدن، ۱۹۹۷) و تسهیل دل‌بستگی به مکان (لوو، ۱۹۹۲) دل‌بستگی قویتر ساکنین نواحی شهری با آثار تاریخی بیشتر به محله، ناحیه شهر و شهر نسبت به مناطق مدرن شهری (لویکا، ۲۰۰۸)؛ مزایای قابل توجه طرح شهرسازی جدید بر طرح سنتی از نظر دل‌بستگی به مکان (کیم و کاپلان، ۲۰۰۴)؛ تأثیرات متغیرهای کالبدی، بیشتر برای دل‌بستگی به ساختمان و محله (لویکا، ۲۰۰۹)؛ اندازه ساختمان یک عامل منفی دل‌بستگی به مکان؛ نگهداری از محدوده‌های ساختمان عامل مثبت دل‌بستگی به مکان (لویکا، ۲۰۰۹)؛ ویژگیهای کالبدی مانند مناطق آرام، وجود ساختمانهای زیبا و وجود مناطق سبز، شاخص مثبت دل‌بستگی به محله (بنیتو و دیگران، ۱۹۹۹)؛ ساکنین مناطق تاریخی دل‌بسته‌تر به نواحی نسبت به ساکنان آپارتمانهای مدرن (لویکا، ۲۰۰۸).
عوامل اجتماعی	ارتباط مثبت بین تصور ذهنی از محله و حس اجتماع (مانرینی، ۲۰۰۶)؛ افزایش حس اجتماع محلات طراحی شده نسبت به محلات حومه نمونه (راجرز و سوکولر اتانامتی، ۲۰۰۹)؛ استفاده از فضای بیرونی عمومی مشترک، عامل مثبت حس اجتماع (کیرنی، ۲۰۰۶)؛ طرحهای کلی محله با قابلیت ارتباط دهنده ساکنین به محیط طبیعی و هم‌دیگر، به‌عنوان عامل مثبت حس اجتماع بیش از عناصر فردی محله (گانز، ۱۹۶۲)؛ حس اجتماع بالاتر در میان ساکنین محلات با محوریت پیاده نسبت به محوریت اتومبیل (لوند، ۲۰۰۲)؛ وجود ارتباط بین فعالیتهای پیاده با تعاملات زیاد همسایگان و روابط اجتماعی (لوند، ۲۰۰۳)؛ رفتارهای همسایگی بیشتر در ساکنین اجتماع طراحی شده (براون و کراپر، ۲۰۰۱)؛ تفاوت ادراک ساکنین از امنیت خانه و محله در میان ساکنین محلات قدیمی و حومه (جنیز، ۲۰۰۷)؛ زندگی با مردم همگون در محیط مدرن، دلیل اصلی بر انتخاب اجتماع دروازه دار (ارکیپ، ۲۰۱۰)؛ عدم ارتباط بین خشونت ادراکی ساکنین از محله با دل‌بستگی به خانه؛ عدم ارتباط بین مالکیت خانه و خشونت مشاهده‌ای ساکنین از خانه با دل‌بستگی به محله (بنیتو و بونس، ۲۰۰۳)؛ معیارهای غیر کالبدی بیش از عوامل کالبدی، عامل شکل‌گیری خاطرات جمعی (میرمقتدایی، ۱۳۸۷)؛ تأثیرات متغیرهای اجتماعی برای دل‌بستگی به ساختمان، محله، ناحیه و شهر (لویکا، ۲۰۰۹).

مأخذ: نگارنده



تصویر ۶. عوامل تأثیرگذار بر مدل دل‌بستگی به مکان در سنجش تحقیق مأخذ: نگارنده

مسکن نوع ویلایی، بیشتر و میزان دل‌بستگی به شهر در مسکن نوع آپارتمانی، بیشتر است.

تأثیر وسیله حمل‌ونقل: وسیله حمل‌ونقل با دل‌بستگی به هر سه مقیاس، ارتباط معنی‌داری دارد. در گروه کاربران دوچرخه، دل‌بستگی به هر سه مقیاس، کمترین و در گروه پیاده، بیشترین میزان است.

مدت سکونت (آزمون هم‌بستگی زوجی): شهر < محله < خانه (مدت سکونت در شهر، بیشترین و در خانه، کمترین میزان است). بیشترین ضریب هم‌بستگی، بین مدت سکونت محله و دل‌بستگی محله برقرار است.

تأثیر عوامل کالبدی

بر اساس آزمون میانگین، ارتباط بین مؤلفه‌های عوامل کالبدی در سه مقیاس مکانی، به‌قرار زیر است:

مقیاس خانه: ارتباطات فضاها < اندازه > تناسب با نیاز <

چشم‌انداز (ارتباطات فضاها در خانه، بیشترین و چشم‌انداز، کمترین میزان است).

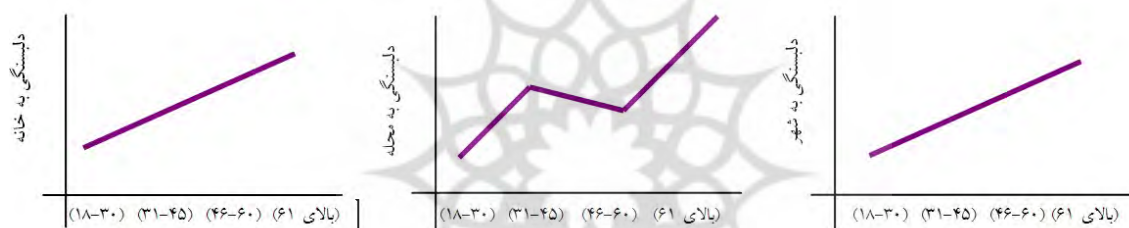
مقیاس محله: فضای سبز < سیمای محله < فضای جمعی < نگهداری از محوطه‌ها و پاکیزگی (فضای سبز در محله، بیشترین و نگهداری از محوطه‌ها و پاکیزگی، کمترین میزان است).

مقیاس شهر: پاکیزگی < سیمای شهر < فضای سبز < فضای جمعی (پاکیزگی در شهر، بیشترین و فضای جمعی، کمترین میزان است).

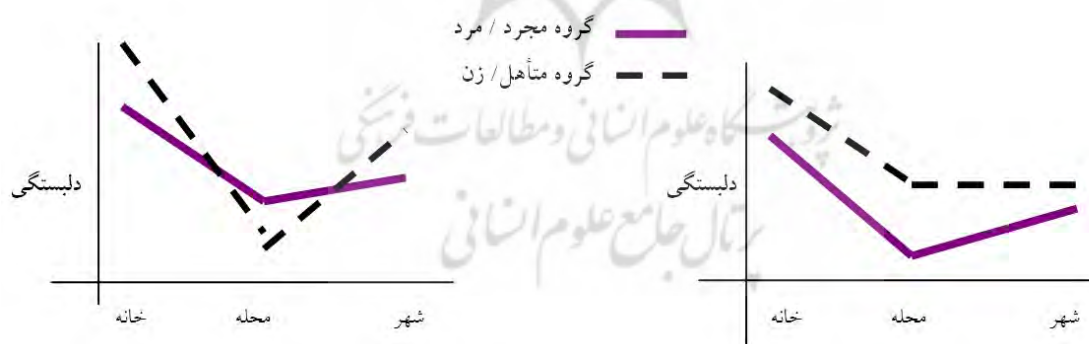
تأثیر عوامل اجتماعی

بر اساس آزمون میانگین، ارتباط بین مؤلفه‌های عوامل اجتماعی در سه مقیاس مکانی، به‌قرار زیر است:

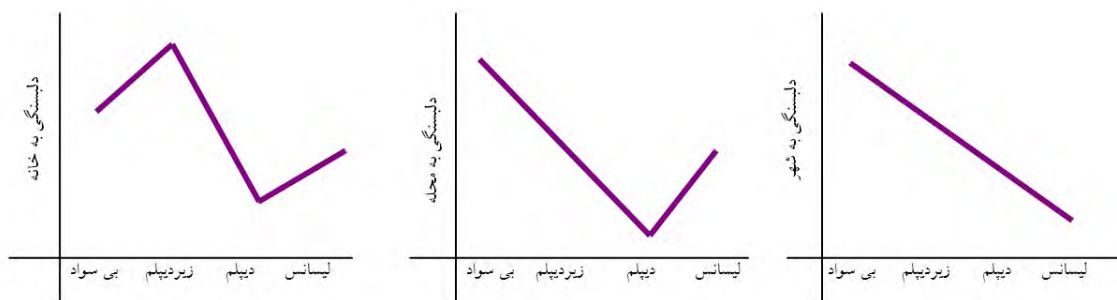
مقیاس خانه: روابط اجتماعی افراد < احساس آرامش < احساس امنیت < مشارکت افراد (روابط اجتماعی افراد در



تصویر ۷. نمودارهای تأثیر گروه‌های سنی بر دل‌بستگی به سه مقیاس مکانی



تصویر ۸. نمودارهای تأثیر وضعیت تأهل (سمت راست) و جنسیت (سمت چپ) بر دل‌بستگی به سه مقیاس مکانی



تصویر ۹. نمودارهای تأثیر تحصیلات بر دل‌بستگی به سه مقیاس مکانی

مقیاس خانه: از میان عوامل کالبدی و اجتماعی با توجه به ضرایب رگرسیون، عوامل کالبدی، تأثیر بیشتری بر دل‌بستگی به خانه دارند. با بررسی مؤلفه‌های عوامل کالبدی، به ترتیب تناسب با نیاز، چشم‌انداز، سپس اندازه و سیرکولاسیون، بیشترین اثرگذاری را بر عوامل کالبدی دل‌بستگی به خانه دارا هستند (تصویر ۱۰).

مقیاس محله: از میان عوامل کالبدی و اجتماعی با توجه به ضرایب رگرسیون، عوامل اجتماعی، تأثیر بیشتری بر دل‌بستگی به محله دارند. با بررسی مؤلفه‌های عوامل اجتماعی، به ترتیب مشارکت، حس اجتماع، روابط اجتماعی و امنیت، بیشترین اثرگذاری را بر عوامل اجتماعی دل‌بستگی به محله دارند. با بررسی مؤلفه‌های عوامل کالبدی، به ترتیب فضای سبز، نگهداری و فضای جمعی، سپس سیمای محله، بیشترین اثرگذاری را بر عوامل کالبدی دل‌بستگی به محله دارا هستند (تصویر ۱۱).

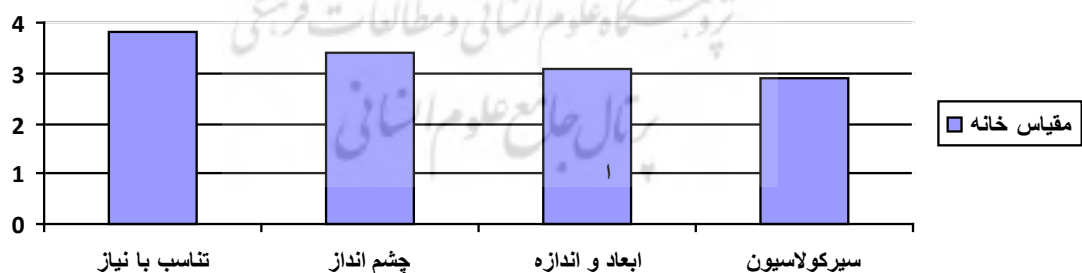
مقیاس شهر: از میان عوامل کالبدی و اجتماعی با توجه به ضرایب رگرسیون، عوامل اجتماعی، تأثیر بیشتری بر دل‌بستگی به شهر دارند. با بررسی مؤلفه‌های عوامل اجتماعی، به ترتیب حس شهر، مشارکت، روابط اجتماعی و امنیت، بیشترین اثرگذاری را بر عوامل اجتماعی دل‌بستگی به شهر دارند. از میان مؤلفه‌های عوامل کالبدی نیز، فضای سبز، فضای جمعی، سیمای شهر و پاکیزگی، به ترتیب بیشترین اثرگذاری را بر دل‌بستگی به شهر نشان می‌دهند (تصویر ۱۲).

خانه، بیشترین و مشارکت افراد، کمترین میزان است).
مقیاس محله: احساس امنیت < روابط اجتماعی افراد < مشارکت ساکنین < حس اجتماع (احساس امنیت در محله، بیشترین و حس اجتماع، کمترین میزان است).
مقیاس شهر: احساس امنیت < روابط اجتماعی افراد < مشارکت افراد = حس اجتماع (احساس امنیت در شهر، بیشترین و مشارکت افراد و حس اجتماع، برابر و کمترین میزان است).

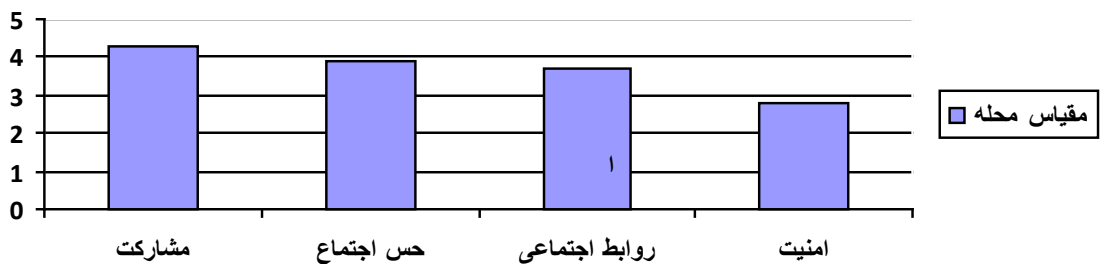
ویژگی‌های ساکنین محله و شهر: در محله سرخاب از دید ساکنین، بهترین مورد زندگی در محله، شامل صمیمیت مردم قدیمی، مرکزیت محله و وجود بازارچه است، اما حضور کفاش‌ها و قدیمی و کهنگی محله، وجود کوچه‌های باریک و بن‌بست و متراکم ناامن با کفسازی نامناسب و وضع فرهنگی مردم، به‌عنوان بدترین مورد زندگی در محله ذکر شده‌اند. برای خانه‌ها نیز، اندازه نامتناسب فضاهای خانه بیان شده است و ساکنین محله، صفت‌های خونگرم و مهمان‌نواز، چشم و هم‌چشمی و غیرتی بودن را از ویژگی‌های شهروندان تبریزی بیان کرده‌اند (مصاحبه با ساکنین محله سرخاب، ۱۳۹۴).

ارتباط بین عوامل کالبدی و اجتماعی

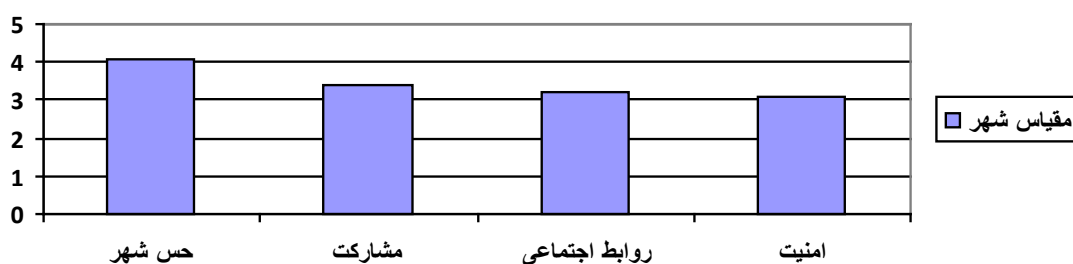
بر اساس آزمون رگرسیون، میزان اثرگذاری عوامل کالبدی و اجتماعی بر دل‌بستگی به سه مقیاس مکانی، در زیر ارائه می‌شود:



تصویر ۱۰. نمودار میله‌ای اهمیت اثرگذاری هر یک از مؤلفه‌ها بر عوامل کالبدی دل‌بستگی به خانه



تصویر ۱۱. نمودار میله‌ای اهمیت اثرگذاری هر یک از مؤلفه‌ها بر عوامل اجتماعی دل‌بستگی به محله

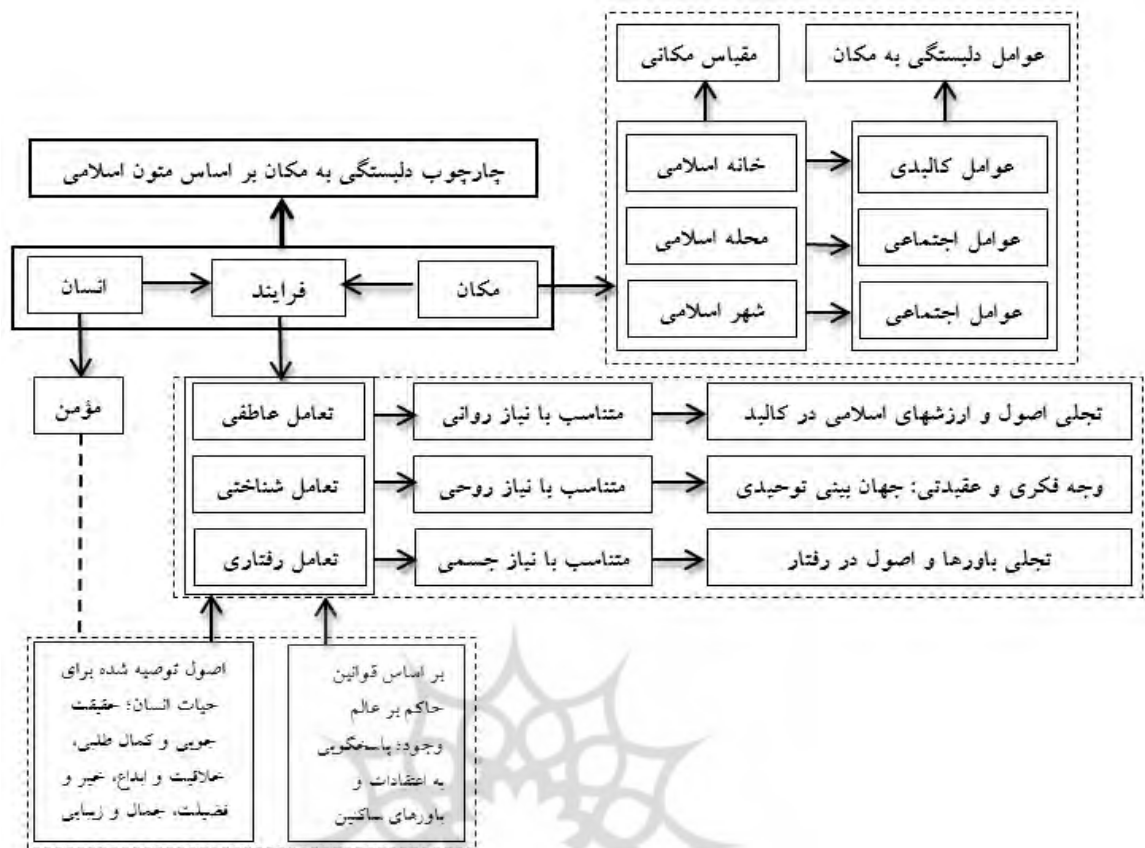


تصویر ۱۲. نمودار میله ای اهمیت اثرگذاری هر یک از مؤلفه ها بر عوامل اجتماعی دل‌بستگی به شهر

نتیجه‌گیری

عوامل تشکیل‌دهنده دل‌بستگی به شهر اسلامی، شامل سه مؤلفه انسان (مؤمن)، کالبد و رفتار است که در ارتباط بین مؤلفه‌ها، باید ارزش‌های اسلامی و شیوه زیست در کالبد، و باورها و اصول در رفتارها و روابط مسلمانان تجلی یابند. در این چارچوب، کالبد شهر با توجه به وجه عینی و فضایی و رفتارهای شهروندان با توجه به وجه عملی و اخلاقی، سبک زندگی مطلوب مسلمانی در شهر ایجاد شده و دل‌بستگی به شهر در ابعاد رفتاری و عاطفی تقویت می‌شود. تحقیق حاضر با مراجعه به گفتار پیامبر (ص) در نهج‌الفصاحه و دیگر احادیث و آیات قرآن، به دنبال استخراج مؤلفه‌های اساسی دل‌بستگی به مکان در مقیاس‌های مکانی مختلف (خانه، محله و شهر) است. در مقیاس خانه، مؤلفه‌های چشم‌انداز مناسب، احساس آرامش در فضاهای خانه، اندازه مناسب خانه و متناسب با نیاز ساکنین؛ و در مقیاس محله و شهر، رعایت حق همسایگی، سفارش به نیکی در اخلاق شهروندی، قاعده لاضرر و لاضرار در فضاهای شهری، توجه به روابط اجتماعی مسلمانان و لزوم هم‌بستگی و همراهی با امت مطرح می‌شوند. در آیات و احادیث، به لزوم تأمین نیازهای سه‌گانه انسان در فضاهای زیستی تأکید شده است؛ بنابراین در سه مقیاس خانه، محله و شهر باید نیازهای سه‌گانه مادی، روانی و معنوی انسان در تعامل سه‌گانه با محیط‌های شهری (عملکردی یا رفتاری، احساسی و معنایی) مرتفع شوند. در این میان، بیشترین معیار مورد سفارش در کلام پیامبر، مشتمل بر سفارش به همسایه و روابط همسایگی و توجه به اخلاق در شهر و روابط شهروندی در فضاهای زیستی است.

نتیجه مطالعات متون اسلامی (قرآن و نهج‌الفصاحه) و نظریات محققان (اسکنل، بنیتو، لویکا، رایجر و ...) و نیز یافته‌های مربوط به عوامل مؤثر بر دل‌بستگی به مکان (عوامل فردی، کالبدی و اجتماعی) در سه مقیاس مکانی در محله تاریخی سرخاب نشان می‌دهد که برای تأثیر عوامل فردی (گروه‌های سنی) بر دل‌بستگی به مکان، خانه، شهر و گروه‌های سنی، رابطه خطی مستقیم برقرار است؛ برای عامل جنسیت؛ دل‌بستگی در مقیاس خانه و شهر در گروه زن بیشتر از مرد است، اما در مقیاس محله، دل‌بستگی در گروه مرد بیشتر است، برای عامل وضعیت تأهل؛ دل‌بستگی به هر سه مقیاس بین افراد متأهل بیشتر از افراد مجرد است، برای عامل شغل؛ در میان دانشجویان، دل‌بستگی به هر سه مقیاس، کمترین میزان است، برای عامل تحصیلات؛ با افزایش تحصیلات، دل‌بستگی به شهر کاهش می‌یابد، برای عامل مالکیت؛ در مالکیت شخصی، میزان هر سه دل‌بستگی، بیشترین میزان است و برای مدت سکونت؛ بیشترین ضریب هم‌بستگی بین مدت سکونت محله و دل‌بستگی محله برقرار است. برای تأثیر نوع مسکن بر میزان دل‌بستگی به مکان؛ میزان دل‌بستگی به محله در مسکن نوع ویلایی، بیشتر و میزان دل‌بستگی به شهر در مسکن نوع آپارتمانی، بیشتر است و نیز وجود گروه پیاده و عدم مالکیت ماشین، باعث افزایش میزان دل‌بستگی به سه مقیاس می‌شود. نتایج آزمون رگرسیون در اثرگذاری عوامل کالبدی و اجتماعی بر دل‌بستگی به سه مقیاس مکانی نشان می‌دهند که عوامل کالبدی (به‌ویژه مؤلفه تناسب با نیاز) در مقیاس خانه و عوامل اجتماعی نیز در دو مقیاس محله (به‌ویژه مؤلفه مشارکت) و شهر (به‌ویژه مؤلفه حس شهر)، بیشتر حائز توجه و اهمیت هستند. این یافته، تأکید متون اسلامی بر برقراری تعاملات اجتماعی و جمعی بودن بر فردی بودن را تأیید می‌نماید. در تصویر ۱۳، جمع‌بندی مطالب مطرح‌شده به صورت دیاگرامی ارائه می‌شود.



تصویر ۱۳. جمع‌بندی چارچوب سه‌گانه دل‌بستگی به مکان بر اساس متون اسلامی؛ مأخذ: نگارنده بر اساس مطالعات

پی‌نوشت

1. Lapidus
2. Raymond
3. Bianca
4. Person-Process-Place
5. Scannell
6. Goldberg
7. Westin

۸. كُلُّ بِنَاءٍ لَيْسَ بِكَفَافٍ فَهُوَ وَبَالَ عَلَىٰ صَاحِبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.
۹. مَنْ بَنَىٰ فَوْقَ مَا يَسْكُنُهُ كَلَّفَ حَمْلَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.
۱۰. لَا تَطِيبُ السُّكْنَىٰ إِلَّا بِثَلَاثِ الْهَوَاءِ الطَّيِّبِ وَ الْمَاءِ الْعَذِيبِ وَ الْأَرْضِ الْخَوَّارَةِ.
۱۱. وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا.

منابع و مأخذ

- آلتمن، ایروین. (۱۳۸۲). محیط و رفتار اجتماعی (خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام). ترجمه علی نمازیان، چاپ اول، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- اردلان، نادر و بختیار، لاله. (۱۳۸۰). حس وحدت. ترجمه حمید شاهرخ، چاپ اول، اصفهان: خاک.
- الحرانی، حسن بن علی. (۱۳۸۱). تحف العقول عن آل الرسول. بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- ابراهیمی، محمدحسن. (۱۳۷۵). مدخل بحث درباره شهر اسلامی. مجله آبادی، ۶(۲۲)، ۱۹-۱۲.

- برقی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱). المحاسن. جلد ۲، چاپ اول، قم: دارالکتب الإسلامیه.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۸). سیر اندیشه‌ها در شهرسازی ۳. چاپ اول، تهران: شهیدی.
- پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۸۳). مجموع سخنان و خطبه‌های رسول اکرم. تهیه و تنظیم عبدالرسول پیمانی و محمدامین شریعتی، اصفهان: خاتم‌الانبیاء.
- پور احمد، احمد و موسوی، سیروس. (۱۳۸۹). ماهیت اجتماعی شهر اسلامی. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، (۲)، ۱-۱۳.
- توسلی، محمود و بنیادی، ناصر. (۱۳۷۱). طراحی فضای شهری. جلد اول، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۱). مفاتیح الحیات. تهیه و تنظیم حجج الاسلام محمدحسین فلاح‌زاده و دیگران، چاپ پنجاه و دوم، قم: اسراء.
- حبیب، فرح و دیگران. (۱۳۸۸). رویکردی تحلیلی به تعامل آیین‌های جمعی و ساختار کالبدی شهرهای سنتی ایرانی. نشریه هنرهای زیبا، (۳۹)، ۱۱۷-۱۲۶.
- حبیبی، سیدمحسن. (۱۳۸۳). شهر بی‌خاطره، شهر بی‌هویت، شهرهای جدید. نشریه داخلی - تخصصی شرکت عمران شهرهای جدید، ۳-۴ (۱، ۲، ۳، ۴)، ۱۸-۱۴.
- خیرآبادی، مسعود. (۱۳۷۶). شهرهای ایران. ترجمه حسین حاتمی نژاد و عزت‌الله مانی، چاپ اول، مشهد: نیکا.
- رسولی محلاتی، سید هاشم. (۱۳۸۶). غرر الحکم و درر الکلم. چاپ هشتم، تهران: فرهنگ اسلامی.
- رضازاده، راضیه. (۱۳۸۴). کاربرد علوم محیطی در فرآیند مطالعاتی طراحی شهری. مجله هنرهای زیبا، (۲۴)، ۳۷-۴۴.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۳۸۷). الجامع الصغیر. دارالفکر للطباعة والنشر و التوزیع.
- طبرسی، علی بن حسن. (۱۳۷۹). مشکاه الانوار فی غرر الاخبار. ترجمه عبدالله محمدی و مهدی هوشمند، قم: دارالثقلین.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن. (۱۴۱۴). الأمالی. چاپ اول، قم: دارالثقافه.
- طهرانی، سید محمدحسین. (۱۳۴۵). رساله لب اللباب در سیر و سلوک اولی الالباب. چاپ اول، مشهد: علامه طباطبائی.
- فلاح منشادی، الهام. (۱۳۹۰). مسکن در شهر اسلامی از نگاه نهج البلاغه. مجموعه مقالات اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی. تبریز: دانشگاه هنر اسلامی تبریز. ۷۷-۸۶.
- کریمیان، حسن و عطارزاده، عبدالکریم. (۱۳۹۰). سلسله مراتب فضایی و حرمت و محرمیت در خانه‌سازی جهان اسلام. مجموعه مقالات اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی. تبریز: دانشگاه هنر اسلامی تبریز. ۷۶-۵۹.
- کلینی رازی، محمد. (۱۳۶۵). الکافی. جلد ۶، چاپ چهارم، قم: دارالکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۳۶۲). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۸). انسان و ایمان. چاپ اول، قم: صدرا.
- معادیخواه، عبدالمجید. (۱۳۷۳). قرآن کریم با ترجمه فارسی. مجله بینات (مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع))، (۲)، ۱۵۴-۱۵۶.
- میرمقتدایی، مهتا. (۱۳۸۸). معیارهای سنجش امکان شکل‌گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر. نشریه هنرهای زیبا، (۳۷)، ۱۶-۵.
- نقی‌زاده، محمد. (۱۳۸۵). معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری). چاپ اول، اصفهان: راهیان.
- نوری، حسین. (۱۳۶۷). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل‌البتیت لاحیاء التراث.
- Akbar, J. (1988). **Crisis in the Built Environment: The Case of the Muslim City**. Singapore: concept media.
- Alsayyad, N. (1996). The Study of Islamic Urbanism; An Historiographic Essay. **Built Environment**, 22(2), 91-97.
- Bianca, S. (2000). **Urban Form in the Arab World: Past and Present**. Zurich: Vdf.
- Bonaiuto, M.; Aiello, A.; Perugini, M.; Bonnes, M. & Ercolani, A. P. (1999). Multidimensional



- perception of residential environment quality and neighborhood attachment in the urban environment. **Journal of Environmental Psychology**, 19(4), 331-352.
- Brown, B.B. & Werner, C.M. (1985). 'Social cohesiveness, territoriality and holiday decorations'. **Environment and Behaviour**, 17(5), 539-565.
 - Cohen, Y.S. & Shinar, A. (1985). **Neighbourhoods and Friendship Networks**. Chicago: The University of Chicago, Dept. of Geography.
 - Dovey, K. (1999). **Framing Places: Mediating Power in Built Form**. London: Routledge.
 - Lapidus, I.M. (1967). **Muslim Cities in the in Later Middle Ages**. Massachusetts: Harvard university press, Cambridge.
 - Lewicka, Maria. (2010). What makes neighborhood different from home and city? Effects of place scale on place attachment. **Journal of Environmental Psychology**, 30(1), 35-51.
 - Madanipour, A. (1998). **Tehran: the making of a metropolis**. Chichester, England: John wiley.
 - Marcus, C.C. (1992). **Environmental Memories**. Low, S.M. & Altman, I. (Eds.), New York: Plenum Press.
 - Marcus, C. C. & Sarkissian, W. (1986). **Housing as if People Mattered**. Berkeley: University of California Press.
 - Nasser, N. (2003). Cultural continuity and meaning of place: sustaining historic cities of Islamicate world. **Journal of Architectural Conservation**, 1(1), 74-89.
 - Pretty, G. H.; Chipuer, H. & Bramston, P. (2003). Sense of place amongst adolescents and adults in two rural Australian towns: the discriminating features of place attachment, sense of community and place dependence in relation to place identity. **Journal of Environmental Psychology**, 23(3), 273-287.
 - Raymond, A. (1994). Islamic city, Arab city, orientalist myths and recent views. **British Journal of Middle Eastern Studies**, 21(1), 3-18.
 - Riger, S. & Lavrakas, P. J. (1981). Community Ties: Patterns of Attachment and Interaction in Urban Neighborhoods. **American Journal of Community Psychology**, 9(1), 55-66.
 - Rohe, W.M. & Stegman, M.A. (1994). The impact of home ownership on the social and political involvement of low-income people. **Urban Affairs**, 30(1), 152-172.
 - Sanoff, H. (1970). **Residential Patterns of Racial Change: A Study of a Southern City**. Raleigh: Urban Affairs and Community Services Center.
 - Stedman, R. C. (2003). Is it really a social construction? The contribution of physical environment to sense of place. **Society and Natural Resources**, 16(8), 671-685.

Received: 2016/05/02

Accepted: 2018/07/01



The Explanation of the Attachment in Urban Environment based on Islamic Texts and Concepts

Leila Rahimi*

Abstract

One of the reasons for the lack of sense of place and identity in urban environments is the lack of original ideas and human-oriented concepts of Islamic thoughts in the cities. Therefore, paying attention to the sense of place in the traditional environments and its extension to today's neighborhoods is one of the most important requirements in designing residential environments.

The main objective of this research is first to investigate and identify the components of attachment to the Islamic city and then promote attachment to the residential environments based on the guidelines of Islamic texts as well as to identify factors influencing the attachment at different space scales. This research uses the qualitative and quantitative approaches and compares the concepts of sense of belonging at different scales of residential environments based on content analysis and logical reasoning. The method used in this research is descriptive-analytical. Moreover, its characteristics and approaches in terms of physical, functional and meaning components have been studied. The results of findings show that the neighborhood and the city, the three physical, mental and spiritual needs of human should be satisfied in interaction of functional or behavioral, emotional and cognitive with residential environments, in order to create the sense of belonging in the scale of the house. The investigation of Islamic texts and Hadiths show that physical factors in the scale of house and social factors in the scale of neighborhood and the city are important. For example, the most indicated instruction by the Prophet is about taking care about the neighborhoods and communication with them and paying attention to ethics in the city and civil relationships in residential environments. Therefore, in the process of formation of the Islamic concept of urban space we should be more concerned with the social aspects of the city.

Keywords: Urban Environment, Islamic Thought, Process of Formation of Attachment to Place

* Assistant professor, Urban Development Faculty, Tabriz University, Iran